

معتقد است و خیلی اسباب شغف بنده است که عقاید دولت با فرمایشاتی که فرمودند و با نظریات مجلس مطابق است نهایت موافقت را دارد و امیدوارم انشاءالله با این موافقتی که بین مجلس و دولت هست اصلاحات مالیه بیشتر امید بخش باشد .

رئیس - آقای حاج سهم الملك دو ماه و آقای سلطان العلماء چهار روز مرخصی خواسته اند و کمیسیون عریض و مرخصی تصویب کرد اول رأی میگیریم بر مرخصی آقای حاج سهم الملك آقایانی که مرخصی دو ماهه ایشان را تصویب میکنند قیام نمایند .
(عده کتیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - راجع با آقای سلطان العلماء رأی میگیریم آقایانی که مرخصی چهار روزه ایشان را تصویب میکنند قیام کنند .
(عده کتیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - بقیه شور در قانون مستقالات اگر مخالفی نباشد می ماند برای روز یکشنبه ۳ ساعت قبل از ظهر .
(مجلس مقارن ظهر ختم شد)

جلسه ۶۳

صورت مشروح مجلس روز چهارشنبه ۱۳ شهریور ۱۳۲۳

مجلس دو ساعت قبل از ظهر در تحت ریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل و صورت مجلس روز چهارشنبه ششم قرائت شد .

فائین بدون اجازه - آقایان سردار معتمد - شریعتمدار - حاج مهندس الدوله - نظا السلطان - حاج شیخ یوسف - حاج شیخ فضلعلی آقا - فائین با اجازه - آقایان وقار السلطنه - سردار سعید - شیخ الملك - مؤبد الاسلام - آقای شیخ یحیی - حاج سید اسدالله .

رئیس راجع بصورت مجلس آقایان ایراداتی دارند یا خیر ؟ (اظهاری نشد) ایراداتی ندارند صورت مجلس تصویب شد - دستور امروز بقیه شور در قانون مستقالات است .

(ماده ۱۹ بقرار ذیل قرائت شد)

ماده ۱۹ - این قانون دو ماه پس از تصویب مجلس شورای ملی و رسیدن بصبح همایونی بموقع اجراء گذارده خواهد شد .

رئیس - در ماده نوزدهم مخالفی هست .

مجلس الدوله - بنده تصور میکردم در جلسه قبل که پیشنهادی شده بود مذاکرات امروز تعقیب همان مذاکرات جلسه قبل است و بهمان ترتیبی که اجازه خواسته اند سؤال و جواب خواهد شد حالا که تجدید فرمودند عرض میکنم در جلسه قبل یعنی در شور اول بنده پیشنهادی راجع با بنامده کرده بودم و بکمیسیون رفت کمیسیون قبول نکرد بنده و شاهزاده سلیمان میرزا در اینباب پیشنهادی کردیم بجهت اینکه ما هیچ تردیدی نداریم در اینکه وضع این قانون و این مالیات بواسطه این شد که از برای مخارج نظمی یک محلی باشد و مخارج آن تأمین شود چنانکه مکرر عرض کرده ام اگر مقدمه این قانون در مجلس خوانده شده بود تصویب میکرد که مالیات این محل برای مصارف نظمی است و هر گاه مخیر کمیسیون اظهار نمیکردند که این مالیات جزء مالیات کلی است و باید به الزم مخارج داده شود شاید بنده

اصرار نمیکردم که در این قانون تصریح شود یا اگر از طرف دولت وزیر مالیه یا معاون وزارت مالیه در مجلس حاضر بودند و میگفتند دولت این مالیات را از برای مصارف نظمی اختصاص خواهد داد میتوانست بنده رافانع کند ولی بنده چون دیدم در اینجا بعضی نظریات است و مخیر کمیسیون قوانین مالیه هم که از بنامده دفاع میکردند تصریح می نمودند که ممکن است عایدات این مالیات بمصارف لازم تری برسد این است که عرض میکنم بنده بعقیده بودم هیچوقت راضی نمیشوم و خیلی مشکل میدانم که این مالیات برقرار شود و بمصرف دیگری برسد بجهت اینکه افکار عامه را متوجه این میدانم که حاضر خواهند بود با مال منت این مالیات را بپذیرند در صورتی که بدانند بمصرف نظمی میرسد و این مسئله که مستبعد نیست مالیات دهندگان در آن تردیدی داشته باشند چرا که دیده ایم مالیات نواقل مالیاتی است بلدی و بکل از موضوع مالیات مملکتی خارج است گرفته میشود و بمصارف اندوخته فلان مأمور تقشیر مملکت میرسد هم بطور سایر مالیاتهایش در اینصورت خوب است در این ماده هر طوری که در مجلس صلاح میدانند این مالیات از برای مصارف نظمی تخصیص داده شود و یا بعضی نظریات دیگر هم که بعضی میگویند تا مدت معینی باشد یعنی تا وقتیکه بودجه کل بمجلس بیاید و جمع و خرج تطبیق شود بنده مخالف نخواهم بود ولی لازم میدانم در اینجا تصریح شود

ناصر الاسلام - بنده خوب در نظر دارم

که این قانون در کابینه آقای مشیر الدوله بمجلس پیشنهاد شد و فلسفه پیشنهاد این قانون و قانون دخانیات باز هم بنده را یاد آوری میکنند بان احساساتی که از طرف اهالی راجع بنامین محل عایدات نظمی یعنی حقوق نظمی و ژاندار مری اظهار میشد باز هم خوب در نظر دارم که تجار و اصناف در منزل آقای رئیس می آمدند و بایک جدیت و صمیمیتی اظهار میکردند که ما حاضر هستیم هر نوع مالیاتی بر ما تحمیل شود قبول کنیم برای اینکه از نظمی و ژاندار مری مطمئن باشیم که حقوق آنها منظمآ میرسد شخص بنده که در این قانون رأی دادم نقطه نظرم فقط همان اختصاص مالیات برای نظمی بوده است حالا هم عرض میکنم اگر بنا باشد این قانون را بهمین نحو از مجلس بگذرانیم و اختصاصی به نظمی ندهیم بنده معتقدم که ادا کنندگان این مالیات بهر قوه اداء کنند و از روی اضطراب خواهد بود هر گاه این مالیات را اختصاص به نظمی بدهیم که واقعا هم لازم است اختصاص داده شود که هر روز و هر ماه دچار یک اشکالی نشویم اهالی با یک میل و امتنان قلبی برای اداء این مالیات حاضر خواهند شد و پیشنهادیکه آقای معذل الدوله و آقای سلیمان میرزا در اینباب کرده اند پیشنهاد صحیحی است و بنده هیچ اشکالی در آن نمی بینم و اگر گفته شود اختصاصی دادن مالیاتها غلط است عرض میکنم بهچوجه نمیتوان گفت این اختصاص غلط است بلکه لازم میدانم مالیاتهایی که وضع میشود اختصاص در آنها باشد مخصوصاً از برای نظمی و ژاندار مری که خیلی لازم است مجلس این مالیات را به نظمی تخصیص بدهد که ممکن است گفته شود که در بعضی شهرها نظمی قانونی نیست بنده عرض میکنم تخصیص این مالیات لازمه اش این نیست که

قبلا در تمام شهرها نظمیهای قانونی باشد لازم است این تخصیص را بدهیم بعد در تحت تعلیمات مأمورین سوئدی انجائاتی که مالیات مستقالات گرفته میشود با اساسات نظمی بکنیم و بنده با پیشنهاد آقایان معذل اول و سلیمان میرزا را کاملاً موافقم و یقین دارم که اگر غیر از این ترتیب بشود دولت دچار اشکالات خواهد شد .

مخیر - اولاً پیشنهادها فرق کرده است و شاهزاده سلیمان میرزا ثانیاً پیشنهادی کرده اند که غیر از پیشنهاد آقای معذل الدوله است و نمی شود گفت با پیشنهاد آقای معذل الدوله و سلیمان میرزا موافقم چون پیشنهادیکه شاهزاده ثانیاً کرده اند یک قدری قضیه را تغییر میدهد بهر حال در جلسه گذشته عرض کردم حالا تکرار میکنم این که میفرمایند اگر این مالیات برای نظمی تخصیص داده شود و مردم مالیات را با کمال میل و رقت میدهند و الا خیر یعنی دو لفظ متضاد را میگویند بنده این نظر را تصدیق ندارم که حتماً مردم وقتیکه محل مخارج یک مالیاتی را ندانند مجاز هستند آن مالیات را ندهند این نظر نظری است که نباید در مجلس شورای ملی بیان شود و مردم هم این حق را ندارند پس این نظر را اگر ما در مجلس شورای ملی اظهار بنمائیم و یک همچو اساس کلی را بیان کنیم و معتقد به آن شویم بنده محتاج میدانم در اینجا تکذیب شود و عرض میکنم مقنن که قانون میگذارد لازم نیست برای اینکه آن قانون اجرا شود مقصد مقنن از برای کسانی که باید آن قانون را اطاعت نمایند معین شود وقتی که از مقامات مقننه مالیاتی وضع و تصویب می شود لازم نیست از طرف اهالی شرط شود که ما بدانیم بچه مصرف میرسد بگوئید تا ما ندانیم این مالیات بچه مصرف میرسد نخواهیم داد و اگر معتقد باین نظر شویم جز هرج و مرج نتیجه دیگری حاصل نخواهد شد بنده هم کاملاً تصدیق دارم که البته مخارج اداره نظمی و ژاندار مری یعنی مخارج کلیه قوای تأمینیه ما باید در عمل از نقدترین محلها داده شود و این مطلب هیچ منکر ندارد و اگر کسی باین پیشنهادی که شده است مخالفت کند نه از مد نظر این است که مخارج نظمی و ژاندار مری نباید از یک محلهای نقدی داده شود خیر اینطور نیست فقط به تخصیص در عمل است یا در قانون به نظر بنده این تخصیص در عمل خیلی بهتر است و معلوم است که بنده هم کاملاً موافقت دارم که عایدات مستقالات از طرف دولت عملاً برای نظمی و ژاندار مری تخصیص داده شود ولی همانطور هم کاملاً مخالف هستم که این تخصیص در قانون قید شود و اگر بفرمائید کلیتاً هر مالیاتی که وضع میشود باید مصرف آنها در همان قانون معین شود بنده منکر این اصل و قاعده هم میشوم و خواهم گفت خواهشندم یک همچو قانونی بمن نشان بدهید نه در اینجا بلکه در تمام دنیا که وقتی مقننین یک مالیاتی را وضع میکنند خودش هم قبلاً محل و مصارف آنرا معین کنند علی الخصوص یک همچو مالیاتی که مالیات محلی نیست و مالیات مملکتی است و در مالیات مملکتی هم نمیتوان قبلاً شعب مخارج آنرا فهمید مالیات قطع نظر از اینکه برای دولت یک اعتباری است اساساً باید عایدات هر محلی داخل صندوق عمومی دولت بشود آنوقت

بالسویه بمخارج دولت و مخارج مملکتی تقسیم شود پس از نقطه نظر مالیات گذاری تخصیص در قانون غلط است و فقط چیزیکه در اینجا باقی میماند عقیده طرفداران تخصیص بمخارج نظمی است و این نظر راجع بنوع مالیات گذاری نیست بلکه نظری است که امروز پیش آمده است و ممکن است فردا باقی نماند و آن دادن اهمیت فوق العاده است بنظمیه به مسئله نظمی البته اهمیت دارد ولی این نکته را نباید فراموش کرد که قانون دوره همیشگی خیلی زیاد تر از احتیاجات روزانه است صحیح است که امروز یکی از محلهای فوری ما که باید مخارج آن از آنقدر وجوه تأدیه شود نظمی است اما چه چیز میتواند آتیه را تأمین بکند که این محل فراهم از محلهای فوری خواهد بود ما نمیدانیم و نباید هم پیش گوئی بکنیم پس مقتضی نباید دست و پای خود را به بند و خود را بواسطه یکماده قانونی و تخصیص یک مالیات مملکت یک محل معین مقید کنده علی الخصوص اگر دقت بشود در اینجا یک اشکال عملی هم پیش می آید اما امروز در مملکت سه نوع نظمی داریم یکی نظمیهای خیلی قدیم یکی هم باصطلاح نظمیهای جدید تازه و یکی هم نظمیهای مرتب خوب که فعلاً در دوسه جا زیادتر نیست حالا این مالیات برای کدام یک تخصیص داده می شود اگر فقط از برای نظمیهای دوسه جای خوب می باشد که البته مخارج آن نظمیها یکی از مخارج اولیه مملکتی است و بنده هم کاملاً تصدیق دارم اما اگر از برای نظمیهای قدیم یا از برای نظمیهای رفورمه بخواهیم تخصیص بدهیم عرض میکنم دولت قبل از آنها احتیاجات فوری و مهم تر هم دارد که قهرآباد در آنجا مصرف شود و هر کس از اوضاع نظمیهای قدیم یا باصطلاح رفورمه اطلاع داشته باشد این عرض بنده را تصدیق خواهد کرد علاوه بعضی محلها هست که مطابق این قانون باید مالیات مستغلات را بدهند و نظمی ندارد پس وقتی که از نقطه نظر مالیات محلی نگاه کنیم و بگوئیم عایدات مالیات مستغلات هر محلی باید برای نظمی آن محل تخصیص داده شود آنوقت محلهائی که نظمی ندارد چه صورت پیدا میکنند اگر بگوئیم آنها هم مالیات مستغلات را بدهند و صرف نظمی جاهای دیگر بشود این مخالفت با نظری است که آقایان دارند و میگویند عایدات هر محلی باید بمحل خودش صرف شود و اگر بگوئیم آنها از دادن مالیات معاف باشند چرا معاف باشند در حالی که از املاک مستغلات مثل سایرین استفاده می کنند چطور می شود یک قسمت از اهالی مالیات مستغلات را بدهند و یک قسمت ندهند و از این مالیات معاف باشند پس با موافقت کاملی که بنده دارم در اینکه بمخارج نظمی و کلیه قوای تأمین ما از محل معتبر و نقدی داده شود همانطوریکه در جلسه گذشته عرض کردم و بهتر میدانم که تشخیص این مالیات عملاً از طرف دولت داده شود نه اینکه در ضمن یک ماده قانونی خودمان را مقید کنیم که عایدات این قانون صرف نظمیها شود

ناصر الاسلام - بنده خیلی متأسفم بالینکه

تاریخ وضع این قانون را گفتم و عرض کردم در چه موقعی این قانون پیشنهاد شد و پیشنهاد کننده آنکه آقای مشیرالدوله باشند در این شهر طهران

هستند و باوجود تضییق و فشار اهالی در آنروز از بنام عدم اطمینان به نظمی و ژاندارمری که آقایان همه مسیوق هستند باز هم مخبر محترم در یک موضوعی وارد شده اند که هیچ مربوط بمسائلی که بنده عرض کردم نبود بنده عرض میکنم قانون را که وضع میکنند برای اجرا است و آنکه تنقید کردند که نباید این کلمه را گفت بنده مراجعه میکنم به اظهاراتی که مکرر خودشان در مجلس فرمودند که ما باید قانونی وضع کنیم که اجرا شود و تدوین قانون از برای طلبداری کتبناغانه نیست بلکه اجراء است و باز هم تذکر میدهم هر قانونی را که ما وضع کردیم و ملاحظه اوضاع و افکار عمومی را نکردیم اثرات سوئی مترتب شد مثل قانون نمک که چون واضعین آن قانون از روی مطالعه و دقت وارد در وضع آن نشدند اثرات سوء آنرا مخصوصاً دیدیم تا اینکه ناچار به نسخ آن قانون شدیم و بالاخره بایک اطمینان قلبی عرض میکنم که ما باید همیشه جریان قانون را در نظر بگیریم و مستغلاتی را که بعد تولید میشود در نظر داشته باشیم بنده نمی گویم اهالی از اطاعت این قانون که دولت و مجلس وضع میکنند امتناع خواهند کرد ولی عرض میکنم اجرای آن دولت و ملت را دچار اشکال می کند اما اینکه میفرمایند یکقسمت نظمیها نظمیهای قدیم است که ما نمی توانیم بگوئیم این مالیات برای آنها مصرف می شود گویا ما ملتزم شده ایم که در شهرهایی که نظمیهای قدیم برقرار است الی الابد آن نظمیها باقی باشد در حالیکه یکی از چیزهایی که بنده را وادار می کند این مالیات را که وضع می کنیم اختصاص به نظمی بدیم این است که آن جائی که نظمی قدیم دارد تغییر بکند و بطرز جدید نظمی تشکیل شود مگر اهالی آنجاها نباید از نعمت امنیت منتعم باشند و فقط داشتن نظمی اختصاص بطهران دارد ما می بینیم در شهرهایی که نظمی بطرز جدید احداث و تأسیس شده است اهالی با کمال اطمینان و آسایش زندگی می نمایند و در آنجا هائی که نظمیهای قدیم دایر است بهیچوجه نمی شود آنرا نظمی گفت و هرچه دولت از برای مصارف آنها بدهد بنده آنرا غیر لازم و زائد میدانم و اینکه میفرمایند ممکن است این مالیات را از برای محلهای مهم تری مصرف کنیم بنده هرچه مطالعه و فکر کردم نفهمیدم که اگر مالیات مستغلات را از برای نظمی اختصاص ندهم و نظمی متزلزل باشد چه محلهای مهم تری از برای ما پیش خواهد آمد که این مالیات را بمصرف آن برسانیم بنده از آن جلسه قبل تا امروز آنچه مطالعه و فکر کردم نتوانستم بفهمم که آن محلهای مهم تر کدام است بالاخره آقایان نمایندگان را تذکر میدهم در موقعی که این قانون پیشنهاد بمجلس شد خوب در نظر دارم که اهالی طهران بایک وحشت و اضطرابی مارا بمجامع خصوصی میکشاندند و تقاضا میکردند که یک مالیاتی وضع کنیم و شاهزاده سلیمان میرزا و بعضی دیگر از نمایندگان هم مکرر در آن جلسات حضور داشته و ملاحظه می نمودند که اهالی میگفتند ما حاضریم از روی طیب نفس هر قسم مالیاتی را ادا کنیم حتی اینکه تذکره و بعضی چیزهای دیگر را هم میبرند و میگفتند هر مالیاتی برقرار شود میبیم بشرط اینکه اختصاص به نظمی و ژاندارمری داشته باشد این است که

عرض میکنم اگر این مالیات اختصاص به نظمی داده نشود بنده بقدر ذره باین قانون اهمیت نمیدهم و آن رأی هائی که تا کنون در این باب داده ام از نقطه نظر این بود که این مالیات اختصاص به نظمی داده خواهد شد و اگر غیر از این باشد این مالیات هم از آن مالیات هائی خواهد بود که تا کنون ندانسته ایم مصارف آنها چه شده است و این مالیات هم مصارفی پیدا خواهد کرد که مخبر محترم بدانند نه بنده و نه اهالی مملکت .

مخبر - بنده نتوانستم متوسل بدلائلی خارج از زمینه قانون مستغلات بشوم والا بنده نمیتوانستم اسم آقای مشیرالدوله را بیاورم و مخصوصاً اسم ایشان را از برای اثبات عقیده خود شاهد قرار دهم زیرا آقای مشیرالدوله اگر این نظری را که میفرمایند میداشتند و نظرشان این بود که این مالیات به نظمی تخصیص داده شود البته در این قانون مرقوم میفرمودند پس نظر آقای مشیرالدوله که این قانون را پیشنهاد فرمودند همان نظری است که بنده در پشت این تریبون عرض میکنم یعنی نظرشان این بود که عایدات مالیات مستغلات در عمل برای نظمی تخصیص داده شود و از آنجا بیکه هیچ نوع سابقه ندارد و در هیچ جای عالم دیده نشده است یک مالیات مملکتی را مقنن بواسطه یک ماده قانونی مخارجش را تعیین کند و برای یک محلی تخصیص بدهد لهذا ایشان هم در قانون گذاری و قانون نویسی خیلی عمیق و مطلع و بصیر هستند مقتضی ندانستند یک همچو ماده را در این قانون بگذارند بلکه نظر آقای مشیرالدوله رئیس الوزرا وقت این بود که عایدات مستغلات در عمل برای مخارج نظمی و قوای تأمین مملکت تخصیص داده شود یعنی آن نظری را که در اینجا هیچکس مخالف نیست ولی حرف در سر اصل مقصود است که جناب عالی میفرمائید یک ماده در اینجا نوشته شود و بر حسب آن ماده تخصیص داده شود و بنده عرض میکنم بدون نوشتن این ماده در عمل تخصیص داده شود پس از نقطه نظر عملی و رسیدن این پول بصندوق نظمی نه بنده مخالف هستم نه جناب عالی و مخالفت ما فقط صورت ظاهر و در قانون نویسی است که بنده عرض میکنم تخصیص آن در قانون صحیح نیست اما اینکه اظهارات خود بنده را فرمودند که مکرر گفته ام قانون باید طوری نوشته شود که اجرا شود راست است بنده حالا هم این نظر را دارم اما حقیقاً بنده هرچه فکر میکنم نمیفهمم چطور ممکن است تصدیق که بهیچ جای این قانون دست نزنیم و میزان و مبلغ و طرز وصول همه باقی بماند ولی بواسطه یکماده تخصیص که اینجا گذاشته اند آنوقت این قانون عملی میشود و اگر آنماده تخصیص گذاشته نشد عملی نمیشود این طور نیست بنده که عرض کردم قانون را باید عملی نوشت یعنی در خود قانون مبلغ را نباید طوری نوشت و آنقدر زیاد کرد که مردم نتوانند تحمل کنند بلکه باید طوری نوشت که با اخلاق و اوضاع مملکت واقف داشته باشد و طرز اجرائش را باید طوری نوشت که از برای دولت سهل باشد بنده نمیدانم چه فرقی در اجرای این قانون پیدا خواهد شد اگر یک ماده در اینجا گذاشته شود که این مالیات از برای فلان جا تخصیص داده میشود آنهم در روی کاغذ پس از نقطه نظر سهولت اجرا و عدم سهولت اجرا تصور نمیکند گذاشتن یا نگذاشتن اینماده مدخلیت فوق العاده داشته باشد و اینکه فرمودند نظمیهای جدید

باید تأسیس شود بنده هیچ طرفدار این نیستم که در همه جا نظمی های قدیم بهمان حالت بماند بلکه بر عکس طرفدار این عقیده هستم که تمام نظمی ها باید بشکل نظمی های جدید باشد ولی در هر صورت باید ببینیم کدام يك از این دو مقدم است آیا ابتداء اصلاح نظمی ها مقدم است و بعد تخصیص دادن يك مجلسی برای مخارج آن یا اینکه ابتداء تخصیص يك مجلسی برای نظمی و بعد اصلاح نظمی ها به نظر بنده ابتداء اصلاح مقدم است و باید ابتداء نظمی اصلاح شود و بعد مجلسی برای مخارج و نگاهداری آن تخصیص داده شود حالا اگر شما بخواهید امروز تخصیص بدهید باید اینک بعد اصلاح خواهد شد آیا چه چیز شما اطمینان میدهد که بعد اصلاح خواهد شد مگر خرابی بعضی ادارات و دوائر ما بواسطه بی پولی بوده است چه بسا پولها که از این مملکت فقیر بهبخت گرفته و خورده اند و تفریط کرده اند باوجود این هیچک از ادارات اصلاح نشده است پس نباید تصور کرد که اگر این محل را برای نظمی تخصیص بدهیم بمجرد اینکه این ماده قانون از مجلس شورای ملی گذشت فوراً یکدست مقتدری در مملکت پیدا خواهد شد و تمام نظمی های کهنه را تجدید خواهد کرد بنده هم موافق خواهم بود با جناب عالی اگر مسأله جلیله مبذول بفرمائید در اینکه نظمی های کهنه اصلاح شود بعد از آنکه اصلاح شد بنده هم یکی از طرفداران این عقیده خواهم بود که عایدات این محل برای آنها تخصیص داده شود پس از این نقطه نظر باز هم اختلافی ندارید و بالاخره تصور نمیکند بواسطه باصلاحات نظمی بشود نمایندگان متوجه بلزوم تخصیص کرد اما اینکه فرمودند هر چه فکر کردم نتوانستم مخارجی را پیش بینی کنم که همتر از مخارج نظمی باشد بنده هم فعلاً نتوانستم بفهمم ولسی تصور میکنم زندگانی آن تجربه را بایشان میدهد که حکم قطعی در باب آتیه نتواند بکند و برای اینکه بدانند احتیاجات آتیه چیست باید یک قدری صبر کنند و ممکن است روزگار يك مخارجی پیش بیاورد که اهمیتش زیادت باشد.

که عایدات بمحل اداری چه فروزی میروند بنده هم در آن باب صحبت نمیکند و همین قدر خدمت آقا عرض میکنم که این فرمایشات همه از مد نظر يك نماینده دولت صحیح است البته دولت حاضر است که تا آخرین نقطه دفاع کنند و بسط بد داشته باشند تا اینکه مالیات را موافق احتیاجاتی که دارد استعمال و اعمال بکنند حالا میخواهم به بینم که ما در اینجا نشسته ایم تکلیفمان چه چیز است بنده که یک نماینده يك ولایتی هستم وقتی آمدم اینجا نشستم باید فکر کنم به بینم این مالیاتی که در اینجا وضع میشود واقعا بمصرف خودش میرسد یا نرسد و آیا بنقطه که بدر ملت و اهالی مملکت میغورد خواهد رسید یا خیر بنده تصور میکنم موافق همان اظهاراتی که تکرارش وقت مجلس را ضایع میکند این مالیات مستغلات که وضع شد و آنرا بشهر ها و قصبات اختصاص دادیم وقتیکه بقصبات رسیدیم یکی از نمایندگان قصبه را وصف میکردند به اینکه دارای هزار خانه وار باشد پس هیچ تردیدی نیست در اینکه مالیات از برای امنیت و آسایش اهالی همان محل است و چه فرق میکند که این مالیات از آن محل گرفته شود و بهمان گزیه هائی که از پیش داشته ایم داده شود تا زمانی که موفق شویم بداشتن يك نظمی های رفورمی یعنی يك نظمی های جدیدی چه فرق میکند مقصود امنیت آن محل است اشتباه نباید کرد و تردید نباید داشت بنده خیلی تعجب میکنم که هر مطلبی را بمالک خارجه مقایسه میکنند و در هر مطلبی که پیش میآید کلمه (در تمام دنیا) تکرار میشود که تمام دنیا اینطور است ما از تمام دنیا صرف نظر میکنیم و بحالت حالیه امروزه خودمان نگاه میکنیم ببینیم چه چیز بسا اطمینان میدهد که این مالیات را بطریق خاطر قبول کنیم و اینکه میفرمایند این اختصاص را باید دولت در عمل بدهد عرض کردم دولت در اینجا حاضر نیست که بگوید این مالیات را اختصاص بنظمی خواهیم داد فقط بعضی اینکه دولت این اظهار را بکند من قبول میکنم چون در اینصورت رسمیت پیدا نمیکند ولی چطور میتوانیم يك کلمه مسلمی را قبول کنیم که میگویند دولت این اختصاص را خواهد داد بله بایستی اختصاص بدهد و البته اختصاص خواهد داد ولی اگر مخارج لازمتری پیدا کرد یعنی اندامینه فلان مأمور عقب افتاد یعنی مصارف رفتن به بیلاق عقب افتاد از این محل خواهد داد بنده این را هیچ قبول ندارم و راضی نیستم و هیچ تصور نمیکند اگر غیر از این باشد این مالیات عملی باشد و بتواند اجراء شود.

مجلس الدوله - مسئله کم کم صورت فریبی پیدا میکند و آن این است که بنده تصور میکنم وحس مزمن چیزیکه آقای مخبر او داشته است اینطور از این عقیده دفاع کنند فقط بمنوان یک نفر نماینده از طرف هیئت دولت است و ایشان از طرف دولت دفاع میکنند پس خاطر آقایان نمایندگان را متوجه میکنم که ما از طرف ملت مبعوث شده ایم و همیشه باید مصالح ملت را در نظر بگیریم و پیشرفت کار را بمقتضیات وقت و اقتضای زمان و استطاعت مردم و رفع احتیاج مردم را ملاحظه نمائیم آقای مخبر در این فرمایش اخیرشان يك قدری بمطلب نزدیک شده اند زیرا که در ابتداء بکلی بطور مطلق با اختصاص مخالف بودند بلکه میخواستند این مالیات را هم جره عایدات مملکتی محسوب دارند و مخارج مهمتری فرض میکردند و فرمودند شخص از آتیه خبر ندارد چه خواهد شد بنده هم ضرور نمیدانم مخارج مهمه را که دولت تخصیص داده اسم ببرم چون در نظر همه آقایان نمایندگان هست و در کمیسیون ها وقتی که صورت حسابهای خصوصی اشخاص را می آورند دیده اند

شوم در اینکه میخواهیم يك مالیاتی بگذاریم بدون توسل بکلمات پردار و بدون توسل بشان دادن اینکه قوه تأمینیه چنین و چنان باید درست از روی کمال خون سردی مطالعه کنیم و به بننیم آیا تمام اصول مالیات گذاری در آن چیزیکه ما میخواهیم بر قرار کنیم جمع است یا خیر البته ممکن است یک اشخاصی در این مجلس پیدا شوند که بنام تمام دنیا حرف بزنند و از اوضاع دنیا هم مطلع باشند آن لازمه اش این نیست که سایرین تردید کنند پس دوباره تکرار میکنم و دفعه آخر است که تکرار میکنم در این پیشنهادی که شده است یا باید بگوئیم يك نظر اساسی است که در هر مالیات آن نظر باید ملحوظ و منظور بشود یا باید گفته شود که این نظر عمومی و اساسی نیست و يك نظر خصوصی و احتیاجی است از این دولت نظر که خارج نیست اما شق اول گمان میکنم کسی ادعا نمیکند که این پیشنهادی که شده است عمومی و متعارفی باشد یعنی در وقت وضع کردن هر مالیاتی مقنن باید محل خرج آنرا معین کند گمان ندارم کسی باشد که بگوید این نظر صحیح است پس اصلاً داخل این نظر نمی شوم و میگویم اساساً از مد نظر مالیات گذاری این نظر غلط است آنوقت باقی مینماند يك نظر خصوصی که بگوئیم مقتضیات امروزه مملکت ما را مجبور میکند که این نظر را داشته باشیم بنده نمیگویم که صورت حسابها را در کمیسیونها آوردند و دیدند و فلان کرده بودند بنده میگویم این تخصیص به توسط يك ماده قانونی جلو آن صورت حسابهای را که در کمیسیون دیده اند نمیگیرند بجهت آنکه همان صورت حسابهای را که میفرمایند بر ضد نص قوانین است بلکه بر ضد قانون اساسی مملکت است پس فقط با داشتن یک ماده قانون در عمل جلو گیری از آن صورت حسابها میشود بلکه برای جلو گیری از آن حسابها يك چیز دیگری لازم بود در صورتیکه همان نمایندگان محترمی که از نظریات ملی مدافعه میفرمایند تا بحال اظهار نکرده اند آنکسی که اینطور کرده است چه حقی داشته است و چرا مال مملکت را تلف کرده پس اگر کسی میخواهد در آتیه آنصورت حسابها را بخرج بدهند از آن ماده قانون جلو گیری نمیشود و باید نشان داد که در مملکت يك قوه و قدرتی هست که هر کس از قانون تجاوز کرد او را مجازات میکنند خود قانون زبان در نمی آورد و داد بزند که از من تخلفی نکنید با قانون جلو گیری نخواهد شد پس از این تخصیص این منتهع عمل هم برای ما حاصل نخواهد شد که اگر يك ماده در اینجا بگذاریم و عایدات این محل را برای نظمی ها و امنیه ها تخصیص بدهیم آنوقت عایدات این محل برای نظمی صرف خواهد شد بنده تردید دارم و عقیده ام این است تا وقتیکه تمام ماشینهای مشروطیت این مملکت برقرار هستند چه این ماده باشد و چه نباشد کسی جرئت تخلفی نخواهد داشت ولی بمجرد اینکه خدای نخواسته تاریخ خودش را مکرر کند بنده عرض خواهم کرد که تمام قوانین فراموش خواهد شد و اینکه میفرمایند چه ضرر دارد این پول بگزیه هاداده شود و بجهت اینکه آنها هم يك شعبة از شعبات تأمینیه مملکت هستند بنده عرض میکنم خیلی ضرر دارد بجهت اینکه حقیقتاً باوجود سایر مخارج مملکتی که پیش یا افتاده است گمان میکنم وجدان هیچکدام از نمایندگان

اجازه نخواهند داد که مخارج لازمتری را بگذاریم يك مجلسی را برای مخارج گزیه ها که معلوم نیست بچه وسیله مردم راتأمین میکنند تخصیص بدهیم پس این نقطه نظر را بنده تصدیق ندارم و بالاخره در خانه عرض میکنم این مسئله يك مسئله ساده نیست و خیلی مهم است و لازم میدانم علاوه بر نظر نمایندگان که جز نظر قانونگذاری نظر دیگری ندارند نظر دولت هم در اینجا معین شود و باید هیئت دولت هم در اینجا حاضر شوند و ببینیم نظر دولت چه چیز است و کدام يك از این نظرها را قبول میکنند و ترجیح میدهند آیا تقبل میکنند که در عمل این محل را بنظمی تخصیص بدهد یا اینکه مقنن را مجبور میکنند که بواسطه قانون تخصیص بدهند پس بعقیده بنده رأی گرفتن در این پیشنهاد حالا نمیتواند واقع شود بلکه باید با نظر هیئت دولت و رئیس الوزرا و نظر وزیر مالیه رأی گرفته شود

رئیس - مذاکرات کافی است (گفته شد کافی نیست) **آقای شیخ ابراهیم زرخانی -** آقای مخبر فرمودند که در دنیا هیچ مالیات اختصاصی نیست در حالی که ما خیلی اعلانات در روزنامه جات خوانده ایم که فلان مالیات را می بندند مخصوصاً برای کشتی یا برای فلان امر اعلان می کنند که امروز برای فلان امر مالیات بسته شد نظائر این امر خیلی است علاوه بر این مالیات بلدی مالیات خاصی است از برای امور بلدی و اینهم نظیر مالیات بلدی است و مالیات محلی اینست و برای اینست محل تخصیص یافته است يك چیز دیگری هم فرمودند (که نظر بر این است بر عایدات دولت افزوده شود) در این صورت هم فرقی نمی کند اگر این مالیات را به نظمی بدهیم آنچه چیزی را که به نظمی می دادیم بجای دیگر میدهم و بر عایدات دولت هم افزوده شده است اما اینکه فرمودند خوب است عملی بشود و قانونی نشود خیلی خوب است در قانون ذکر نکردیم از وزراء عهد بگیریم! آنها را قسم بدهیم یا اینکه التزام بدهند! فرضاً این این وزراء التزام دادند و وزرای دیگر هم باید التزام بدهند اگر التزام را عمل نکردند چه خواهیم کرد! بچه جلو گیری خواهیم کرد البته اگر کسی بخواهد جلو گیری کند باید با قانون جلو گیری کند و بگوید فلان ماده قانون را عمل نکرده ایم والا اگر وعده بدهد خواهد گفت بلی وعده دادم ولی دیدم يك محل دیگری و لازم تری پیدا شد با آنجا دادم دیگر اینکه فرمودند شاید مصرف لازم تری پیدا شود بسیار خوب فرض مصرف لازم تری پیدا شد آنوقت آنروز نظمی لازم نخواهیم داشت یا به نظمی حقوق نخواهند داد کدام را عمل خواهند کرد تصور بفرمائید امروز يك جای لازم تری پیدا شد نظمی را منحل کنیم یا بگوئیم حقوق نخواهید این مثل غذاست و از مخارج لازمه است و چیزی نیست که او را حذف کنیم و مجلس را بجای دیگر مصرف کنیم مخارج امنیت از مخارج ضروریه دولت است و مثل مخارج غذاست که نمیتوان صرف نظر کرد در اینصورت تخصیص دادن این مالیات هیچ ضرری ندارد و اگر روزی دیده شد این مطلب لازم نیست و این تخصیص لازم نیست مجلس هست مقنن هست همچنانکه قانون نمک را نسخ کردند این تخصیص را هم نسخ میکنند و بيك ماده دیگری تبدیل میکنند این هیچ اشکالی ندارد.

حاج عز الممالک - بنده بدو عرض میکنم که آقای مخبر هر چه دفاع کردند از طرف کمیسیون بود و برای اینکه خوب توضیح شود و کمیسیون باچه چیزی مخالفت میکند پیشنهادی که سابقاً نوشته شده بود و بکمیسیون ارجاع شد بنده قرائت میکنم که آقایان خوب خاطرشان مسبوق شود پیشنهادی که شده بود می نویسد مالیات مستغلات که برای مصارف نظمی قانونی وضع میشود در طهران و سایر ولایات که فعلاً نظمی مرتب دارند پس از دو ماه از صحنه هایونی این قانون بموقع اجرا گذاشته خواهد شد در سایر ولایات هر وقت دولت مقتضی بداند دو ماه قبل اعلان نموده و حکم با اجرای آن خواهد شد این پیشنهادی بود که قبلاً شد و بکمیسیون ارجاع شد و با مذاکراتی که در کمیسیون شد قابل توجه نشد چرا؟

الا از برای اینکه بنده میتوانم آن اظهاراتی را که در اینجا شد تکذیب کنم در اینکه پیشنهاد کننده این قانون مقصودش تخصیص این مالیات برای نظمی بوده اینطور نبود برای اینکه مطلب درست کشف شود بنده ناچارم یکمقداری عرض کنم و اظهارات ممکن است تکرار شود اگر کایتیه وقت مقصودش تخصیص این مالیات از برای نظمی بود يك ماده هم از برای آن وضع میکرد پس محققاً چه نظری نداشت صحیح است که در عمل باید بمصرف نظمی برسد ولی این مخالفتی که در اینجا میشود از حیث قانون گذاری است از حیث عمل نیست و در موقع وضع قانون یعنی در موقعیکه يك مالیاتی برای مملکت برقرار میکنند در همان موقع نمیتوان تعیین کرد که از برای چه مصارف خواهد بود زیرا که هنوز نمایانیم از این مالیات چه عاید ما میشود و غیر از دو سه جا به موجب این پیشنهاد محل مصارف این مالیات هنوز صورت خارجی پیدا نکرده پس چگونه آن عایدات موهوم را برای آن مخارج موهوم تخصیص بدهیم بنابراین کمیسیون نمیتوانست همچو چیزی را در این قانون بنویسد و یکی هم قسمت اخیر این پیشنهاد است (که در حقیقت خود پیشنهاد کننده گان تردید کرده اند) و این قسمت هم کمیسیون را واداشت این پیشنهاد را قبول نکنند برای اینکه يك چیزی بود که از اهمیت این قانون میکاست زیرا مقصود از وضع قانون این بود که بطور عموم بموقع اجراء گذارده خواهد شود و این پیشنهاد او را لغو میکرد چون نوشته است که هر جا نظمی تأسیس شد دولت اعلان کند و آنوقت این مالیات را بگیرد دیگر این که در اینجا از قانون نمک مذاکره شد بعقیده بنده قانون نمک هیچ مربوط باین قانون نیست و این مالیات چیز تازه نیست مالیات مستغلات در اغلب نقاط گرفته میشد منتها بترتیب غلط بنده از روی برهان میگویم و دلیل هم دارم که مالیات مستغلات از قدیم داده شده است منتها بيك ترتیب مرتب صحیح نبوده است حالا این قانون اجازه میدهد که دولت مالیات مستغلات قدیم را بيك ترتیب مناسبی بگیرد پس همان مالیات قدیم است که بيك طرز متناسب گرفته میشود دکان کین کاروانسراها همه مالیات می دادند همینطور اغلب مالیات مستغلات می دادند منتها چیزی که اضافه شده است فقط يك خانه های اجاره است منتها حالا مطابق این قانون بطور مرتب و تساوی خواهد داد اما راجع باختصاص باز عرض

می کنم اگر ما بخواهیم در قانون تصریح کنیم و این مالیات را از برای يك مجلسی تخصیص بدهیم بعقیده بنده این سیر فقهرانی است و به ترتیب بیول قدیمه است اگر بگوئیم يك مجلسی را از برای موجب يك اداره یا يك وزیری تخصیص بدهیم خود او سعی خواهد کرد و وصول خواهد کرد اشکالی فراهم نمی آید پس چرا بیولات را مجلس راموقوف کرد بهر کس مخارج خود را بگیرد و ادارات مالیه هم لازم نبود البته مالیات باید در يك جائی تمرکز پیدا کند و عایدات دولت معلوم باشد و جلوگیری از آن افراط و تفریطی هم که آقای معذل الدوله میفرمایند بواسطه گذشتن بودجه ملحوظ میشود زیرا مالیات مملکت منحصر بمالیات مستقیم و غیر مستقیم و گمرک و هر چه شامشور کنید هست فرضاً چهار صد هزار تومان عایدات تخمینی این مالیات را شما بموجب يك ماده قانون تخصیص دادند این جلو گیری از افراط و تفریط نمیکند قانون اساسی میگوید مالیه مملکت را میشود بهیچ مصرف بیهوده رسانید چطور شده که رسانند پس با اشکال دیگر باید جلو گیری کرد والا نوشتن يك ماده در اینجا جلو گیری از تفریط مالیه مملکت نمیکند اما اینکه گفته شد مالیات مستغلات مالیات محلی است بنده تصور نمیکند مالیات محلی باشد درست است از قصبات و شهر ها گرفته میشود پس مالیاتی هم که در يك دهی گرفته میشود باید گفت چون این مالیات از این ده گرفته میشود باید بمصرف خود آن ده برسد خیر آنطور نیست مالیات مستغلات مالیات مستقیم است عوارض بلدی نیست مثل مالیاتی است که از املاک مزروعه میگیرند و بایستی بطور کلی جزء عایدات مملکتی بیاید و در مقابل مخارج مملکتی مصرف شود و اینکه گفته شد از برای اجراء این قانون را وضع میکنیم بعقیده بنده همین تخصیص مانع اجراء است برای اینکه اگر باین ترتیب گذرانند و بنظمی تخصیص دادیم آنوقت در هر نقطه که نظمی نباشد امتناع خواهند کرد از اینکه مالیات مستغلات را بدهند این ترتیب صحیح نیست شاید بعضی جاها عایدات مستغلاتش بیشتر از مصارف نظمی آنجا باشد آیا نباید بمصرف طهران برسد پس اگر باین ترتیب قائل شویم باید گفته شود که مالیات هر نقطه هر ده و هر شهری بمصرف خود آن محل برسد پس مخارج بابتخت که همیشه یاد تراز سایر شهر ها و سایر نقاط مملکتی است از کجا پرداخته خواهد شد این ممکن نیست پس نظر را باید بطور کلی گرفت و قانون را وضع کرد مالیات را که وضع میکنند برای این است که محتاج بیول هستند نظمی پول میخواهد ژاندارمری پول میخواهد قشون پول میخواهد مملکت برای تمام این مخارج محتاج است عایدات درست کند و این عایدات هم باید جزء عایدات کل مملکتی باشد و مخارج را در وقت گذرانند بودجه به مجلس شورای ملی پیشنهاد کند و در بودجه معین شود در آنصورت البته هیچ هیئت دولتی حاضر نخواهد بود از آن بودجه تخلفی کند و الا نوشتن يك قانون بعقیده بنده هیچ منع نخواهد کرد که این عایدات بخصوصاً بمصرف دیگر نرسانند والا بنده اساساً از آن اشخاصی هستم که میگویم از بهترین عایدات به مخارج نظمی و ژاندارمری و آن چیزهایی که راجع

بامنت مملکت است برسد و اگر عمال این کار را بکنند البته خیلی خوب است و ممکن است این طور پیشنهاد شود که اداره مالیه این پول را در حساب آنها نگاه دارد و بمصارف آنها برساند ولی اگر در این قانون بگوئیم خودشان بگیرند و خودشان مصرف کنند اسباب این میشود که در وزارتخانهها و ادارات دیگر هر روز عریضه بنویسند و پیشنهاد کنند که مثلا فارس به نیول وزارتخانه بنده بدهد خود قبول میکنند که مالیات آنجا را وصول کنیم و البته این ترتیب ممکن است.

رئیس - بنده می بینم که اغلب مذاکرات راجع به پیشنهاد آقای مدلل الدوله است و به همین واسطه بعضیها مخالف هستند چون دو فقره پیشنهاد دیگر رسیده است آنها را فراموش میکنم بعد مذاکرات میشود **معدل الدوله** - اجازه میفرمائید بنده یک سه تاهم را بطور خیلی مختصر رفع کنم.

رئیس - بفرمائید.

معدل الدوله - بنده میخواستم فقط توضیح بدهم که در کمیسیون مخالف بودم و موافق نبودم چون فرمودند بنده هم جزء یازده نفر بودم در صورتی که نبودم.

مخبر - بله در اینماده چون دو مرتبه رای گرفته شده و در هر دو دفعه اکثریت بطور مختلف حاصل شد این است که نمیدانم در کدام دفعه مخالف بوده اند.

رئیس - دو فقره اصلاح است یکی از طرف آقای سلیمان میرزا و یکی از طرف آقای حاج سید رضا قرائت میشود. (پیشنهاد سلیمان میرزا بضمون ذیل قرائت شد) این بنده ماده ذیل را بعنوان ماده العاقبه پیشنهاد مینمایم.

ماده واحده - از تاریخ اجرای این قانون تا دو سال در هر جائی که برای نظمی بطرز جدید ممکن باشد این مالیات بدستباری آن اداره وصول خواهد شد و چون مخارج نظمی باید از آنقدر وجوه داده شود اداره نظمی مجاز است که در عوض حقوق خود از وجوهی که از باب این مالیات گرفته است بطور مساعده اداره مالیه حواله بگیرد در اینصورت مخارجی که محل این مالیات است از خزانه دولت مسترد خواهد شد.

پیشنهاد آقای حاج سید رضای فیروز آبادی بنده کلیتاً مخالف با این قانون مستغلات بوده و هستم اما حال که اکثریت مجلس تصویب نموده و تخصیص هم داده شده به نظمی بنده پیشنهاد میکنم که اجرای این قانون در مواردیکه نظمی قانونی ندارد در موقع اجرا گذاشته نشود تا اینکه نظمی قانونی در آن محل اداره شود.

سلیمان میرزا - در این موضوع مخالفین و موافقین وقتیکه صحبت میکردند عموماً موافق بودند و حاضر هستند که این مالیات را که عملاً دولت برای نظمی تخصیص بدهد بمباره آخری می توان گفت در عبارت گفتگو میشد و الا همه عقیده شان بود که این مالیات که جدیداً اخذ میشود از برای نظمی تخصیص شود بعضیها را عقیده شان این بود که این اختصاص را مجلس بدهد و بعضیها عقیده شان این بود که این اختصاص را دولت بدهد پس در اصل اختلافی پیش

هیچ يك از نمایندگان نبوده و نیست و هر کس هم که نطق کرده است موافقت خود را باینکه این عایدی جدید از برای نظمی هائی که بطرز جدید ایجاد شده اختصاص داده شود اظهار داشت منتها آقای مخبر فرمودند که ما نمیدانیم در آیه چه پیش خواهد آمد و نمی توانیم يك آیه بسیار دوری را در نظر بگیریم شاید در آیه يك مخارجی پیش بیاید که از نظمی مهم تر باشد و لازم شود این عایدی را بمصرف آن مخارج برسانیم بنا بر این بنده تا دو سال معین کرده ام که تا دو سال این مالیات مخصوص به نظمی باشد و اگر بعد از دو سال اتفاقاً مصرف پیدا شد که بر همه معلوم شد مهم تر از نظمی است البته به آن مصرف میرسانند و اگر خبر پیدا نشد همانطور از برای نظمی مصرف می شود از طرف دیگر بعضی را عقیده این بود که تجزیه خواهد شد و اسباب اشکال خواهد بود یعنی در بعضی نقاط که حالا نظمی نیست و باید نظمی معین شود آن نظمی مخارجش زیاد تر از آن مالیات خواهد شد بلکه پنج شش برابر خواهد شد آنوقت از کجا خواهیم آورد بنابر این در آخنوشته شده است در جاهائی که برای نظمی ممکن است خودش وصول کند و مخارج جدیدی برای وصول در مملکت پیدا نشود هر محلی که نظمی هست کمیسیونها توسط اداره مالیه قبض بدهند و خودشان وصول کنند و از سایر جاهام که نظمی نیست بگیریم و به نظمی تهران مصرف کنیم آن قسمت اخیر برای این نوشته شده است که در واقع این وجوه را که نظمی میگیرد بطور مساعده است که اگر از جای دیگر مالیات مستغلات وصول شد و بمحل دیگر صرف شد خزانه مخارج آن محل را مسترد دارد.

حاج سید رضا - بنده این پیشنهاد را کردم که بعد از تصویب تخصیص خوانده شود قبل از تخصیص خوانده شد.

رئیس - اینجا نوشته اید (تخصیص داده اند) و حال اینکه تخصیص نداده اند خوب بود بعد از اینکه تخصیص میدادند پیشنهاد میکردند بطور مساعده پیشنهاد کرده اند.

حاج شیخ اسدالله - بنده در اصل مطلب نظر داشتم حالا يك اشکال دیگری هم از پیشنهاد آقای سلیمان میرزا برای بنده فوق آن اشکالاتی که داشتم تولید شد و آن این است که مرقوم فرمودند خود نظمی تصدی وصول باشد و این چیزی است که بنده خیلی تعجب میکنم چگونه میشود تصور کرد که مالیه مملکت باین ترتیب متشلاشی شود خود نظمی را مامور وصول میکنند آنوقت میفرمایند نظر من باقتصاد و صرفه جوئی است یعنی يك مخارج فوق العاده دیگر در وزارت مالیه از برای اداره کردن مالیات مستغلات ایجاد نمی شود و حال آنکه فرق نمی کنند همین اداره باید در نظمی ایجاد شود و بهر حال يك دفتر و مامورین و متخصصین باید داشته باشد در اداره نظمی هم که باشد خرج دارد پلیس که نمیتواند مالیات بگیرد او يك وظایف مخصوص دارد در اصل مطلب هم بنده نظری دارم و آن این است که باید این مطلب قبل از حل شود که آیا این مالیات مالیات عمومی است یا محلی اگر عمومی است اختصاص دانشش خلاف مرکزیت

است و معلوم نیست از روی چه فلسفه و منطق و برهان میفرمایند باید بخارج اهم برسد بلی این نظر را دولت باید همیشه بموقع اجرا بگذارد و يك وجوهی که تعدیتر باشد و در خزانه دولت موجود باشد بمصرف اهم برسانند مثلا اگر مالیات مستغلات وصول نشد و يك مدتی بتأخیر افتاد وجه دیگری در خزانه دولت موجود بود آنوقت باید چه کند به نظمی نباید پول بدهد پس مصارف اهم را دولت باید در نظر بگیرد و وجوه نقدیکه در خزانه دولت هست بمصارف اهم برسانند در صورتی که این مالیات مالیات عمومی باشد از تحت قواعد کلی نمی توان او را خارج کرد و اگر يك مالیات محلی باشد و هر مالیتی که از يك محلی وصول میشود بمصرف همان محل برسد اگر چه بدبختانه تجربه کردیم در مملکت ما اینمطلب صورت خارجی پیدا نکرده برای اینکه مالیات نواقل را مجلس از برای مخارج و مصارف محلی وضع کرد آنرا هم بمصرف خودش نرسانند و بخزانه دولت رفت در صورتی که قانون در آنجا تصریح کرد جلوی گیری نکرد اینمطلب میفرمایند اگر يك ماده قانون در اینجا وضع شود جلوی گیری میکند دیدیم که آن قانون هم جلوی گیری نکرد پس باید يك هیئتی و يك دولتی باشد که بيك قوه فشار فوق العاده از این هرج و مرجهای مالیه جلوی گیری بکند و تا اساس مطلب درست نشود هزار از این مواد قانونی نوشته شود ابتدا منشأ اثر نیست حالا از مطلب خودم خارج نشوم در صورتیکه این مالیات مالیات محلی باشد آنوقت بنده چگونه تصدیق کنم از قضائتی که نظمی ندارد و شاید هیچ نظمی هم تاسیس نشود مالیات مستغلات گرفته شود بمصرف جای دیگر برسد چون مالیات محلی باید بمصارف همان محل برسد چگونه بنده تصدیق کنم که مالیات فلان قصبه که باید بمحل خودش مصرف شود به مصارف امنیت بنده که در تهران استراحت میکنم برسد باز تکرار میکنم در صورتی که مالیات محلی باشد باید هر مالیتی بمحل خودش بمصرف شود و این پیشنهادیکه شده است که بطور کلی مالیات مستغلات بمصرف نظمی برسد هیچ فلسفه ندارد و در صورتی هم که مالیات عمومی باشد آنوقت هیچ از روی فلسفه نیست که آنرا استثنا کنند و بیول نظمی قرار دهند خصوصاً که خود نظمی هم تصدی وصول باشد بنده ابتداء نمیتوانم این را تصویب کنم.

علل الملك - مذاکراتیکه از ابتداء در خصوص اختصاص عایدات بنظمی شده است عموماً فلسفی بوده است و عملی نبوده است بجهت اینکه هر وقت امورات ضروری تری پیدا شود نباید از او صرف نظر کرد و این از امورات ضروری حتمی است که نظمی لازم است و در درجه اول اهمیت است و با هیچ تصادفی اهمیتش حذف نمیشود و اینکه گفته شد عایدات را به يك محلی نمیشود اختصاص داداگر چه سابقه دارد و میشود يك مالیتی را برای يك محلی اختصاص داد و علاوه وضیعت هر مملکتی را برای مملکت دیگر نمیشود حجت قرض کرد در مملکت ما وضیعت نظمی طوری مهم است و بقدری هم اشکالات برای مالیه فراهم است که ممکن است يك مالیتی را برای آن اختصاص بدهیم ولو اینکه بر خلاف عموم ممالک هم يك تصدیمی کرده باشیم زیرا مقتضیات هر جائی اولین وسیله ایستکه قانونگذار

نظر میگیرد و بتفریطهائی که در مالیه شده است بهترین طریقه مصرف مالیات همین خواهد بود علاوه آقای ناصر الاسلام توضیح دادند که استقبال مردم برای نظمی بود که هیئت دولت این قانون را در آنوقت به مجلس تقدیم کرد و اگر اختصاص را بنظر دولت معول کنیم سابقه بما نشان میدهد که دولت اینمطلب را ملزم به رعایت نیست مثل اینکه مالیات نواقل را رعایت نکرد و همینطور سایر امورات که فعلاً بنده یادآوری آنها را مقتضی نمیدانم چنانچه برای قرض اشخاص و غیره بنظر خودش تصویب کرد علاوه اگر وضع يك مالیتی موافق صلاح مملکتی نیفتاد و همان طوریکه گفته شد ممکن است در آنوقت مجلس دو مرتبه آن قانون را نسخ و در آن تجدید نظر بکند علاوه اختصاص به نظمی را که عملاً هیچ کس منکر نیست منتها طریق اجرای آنرا بدو قسمت تقسیم کرده اند يك قسمت میگویند این تصمیم را دولت باید بگیرد و يك قسمت میگویند در قانون باید تصریح شود هیچیک از آنها مانع از این تصمیم نیست ممکن است این تصمیم را در قانون ذکر کرد و هیچ اشکالی هم ندارد و اگر اشکالاتی در عبارت هست باید آنرا تصحیح کرد یعنی اگر مقتضی نمیدانند فلان قصبه از مالیات معاف بشود و ضروری متوجه دولت شود و ممکن است بماده های العاقبه یا باصلاح عباراتی همه اینها را درست کرد آنچه عرض می کنم برای این است که این مالیات به نظمی تخصیص داده شود در اینکه این مالیات برای نظمی تخصیص داده شود هیچ اشکالی نیست اگر تصور میکنید چهار اشکالات میشوند ممکن است در عبارت اصلاحاتی بکنند که به اشکالات برنخورند.

رئیس - مذاکرات را آقایان کافی میدانند یا خیر؟

مخبر - حضور هیئت دولت را لازم نمیدانید **رئیس** - راجع بنده نیست راجع آقایان است. آقای میرزا قاسمخان پیشنهاد راجع برای قطعی است یا راجع بقابل توجه بودن است.

آقای میرزا قاسمخان - راجع برای قطعی است بفرمائید بخوانند.

رئیس - پیشنهادها مجدداً قرائت میشود. (پیشنهاد آقای میرزا محمدعلیخان)

بنده پیشنهاد میکنم در آخر این قانون بطور ماده العاقبه نوشته شود وزارت مالیه و اداره خزانه داری کل عایدات این مالیات را در صندوق و محاسبات مالیه مخصوص مصارف نظمی های جدید تشکیل نگاهداری کرده و مازاد آنرا بسایر مصارف مملکتی خواهد داد.

(پیشنهاد آقای ناصر الاسلام) بنده پیشنهاد میکنم مالیات مستغلات که از شهرها و قصبات گرفته میشود مصرف آن مختص ادارات نظمی باشد.

آقای میرزا محمد علیخان (نماینده همدان) - مذاکراتی که تا بحال در خصوص تخصیص عایدات مستغلات برای نظمی شد چه آن مقداری که از طرف آقایان نمایندگان وجه از طرف مخبر محترم بود همه در جای خودش صحیح و دلالت مین بود چنانچه آقای علل الملك هم اخیراً اظهار فرمودند اساس مسئله يك چیزی است که باید آنرا

ملاحظه کرد و ثابت قرارداد که محتاج به تغییر نبود منتها ممکن است تغییر و تعریف عبارت و پیشنهادها اصلاح مقصود را بکنند مسلم است عایدات این مالیات مستغلات عایدات محلی نیست عایداتی است که باید در جزء کایه مالیاتهای مستقیم وارد شود این ک جزء مسلم و بدیهی است از طرفی ادارات نظمی که تا بحال تشکیل شده است نظمی های قانونی است و آنچه هم که بعدها باید تشکیل شود و انشاء الله در تمام ولایات تشکیل خواهد شد همانطوریکه آقای زنجانی فرمودند در واقع چیزهائی هستند که حالت غذا را برای انسان دارند امنیت که امروز ممکن است بيك کاهه خیلی مختصر آنرا ادا کنیم مسائل معنوی بیشتر در آن است که شاید بمطال سیاسی مملکت ما کمک میکند و يك چیزی است که حقیقتاً ما باید باهرفرجه و هر عبارت و هر زبانی بطوری اسبابش را فراهم کنیم که ایجاد شود و باقی هم بماند البته اگر این ترتیبیکه پیشنهاد شده بود بگوئیم این عایدات بکلی در قانون برای نظمی مانع تخصیص شود و حتماً بمصرف نظمی ها برسد و بطوریکه تصریح شده بود در اداره مالیه صندوق دولت وارد شود شاید نظر آقای مخبر در اینجا وارد باشد که بهتر است آنچه را تا بحال معمول نبوده ما هم عمل نکنیم یعنی عایداتی که تا بحال در سایر قوانین موضوعه راجع بمالیات چه از خارج مملکت ایران چه در داخل مملکت ایران برای يك محلی تخصیص نشده است بهتر است ما هم نکنیم اگر چه اگر این کار هم بشود اولش خواهد بود زیرا تمام کارها که در دنیا شده است يك اولی داشته است ممکن است اینهم يك کاری باشد که اولش باشد و سابقه بشود یعنی نظریه اهمیت موقع و مقتضیات و ضروریات مملکتی مجلس لازم و صلاح میدانند یکمقداری عایدی مملکتی را برای يك مصرف معین مسلمی تخصیص بدهد و لازم هم نیست حتماً تا آخر باقی بماند هیچ اهمیت ندارد و ممکن است بعد از يك سال یا دو سال دیگر که عایدات دولت زیاد شد و مستغنی شد و از دوام وثباتش اطمینان پیدا کرد آنوقت این قانون را نسخ کند و هر قسم از عایدات را که دولت بخواهد صرف نظمی ها بکند مجاز باشد ولی عجلاناً بدو اینکه يك چیزی بآنجمله های مفصل و متینی که در اینجا گفته شده است افزوده باشم بطور کلی گمان میکنم که خوب میدانند و خیلی بهتر است يك تأمین برای مخارج نظمی و ژاندار مری بکنیم اگر چه ما همه از نمایندگان ملت و هیئتدلت میکنیم اگر چه ما همه از نمایندگان ملت و هیئتدلت و افراد و اجزاء ادارات مملکت همه آرزو مند هستیم و لایق قطع استغناء میکنیم که از آنقدر وجوه عایدات مملکت مصرف ژاندار مری و نظمی بشود ولی چه کنیم که گاهی اوقات نمیشود و شاید کسی پیدا شود که نخواهد بکند پس برای اینکه این مسئله را تأمین کرده باشیم البته باید يك شکلی اختیار کرد که نه اساس مسئله بر بگردد (که عبارت باشد از يك حالت عجیب و غریب در وضع قانون و از طرفی هم خیلی مارا مطمئن کرده باشد که مقصود بعمل آمده است این است که بنده اینطور پیشنهاد کرده ام که تمام عایدات مالیات مستغلات مملکت کلیتاً وارد در صندوق دولت بشود و آن مرکز را که ما میخواهیم برای مالیه مملکت حافظ باشیم بعمل آمده باشد و هم همانطوریکه بعضی عایدات مستقیم یا غیر مستقیم

دیگری هم هست که عجلاناً تخصیص برای بعضی ادارات داده اند این عایدات مالیات مستغلات هم عجلاناً در این قانون برای نظمی هائی که جدیداً تشکیل شده است یا باید تشکیل شود تخصیص داده شود آنوقت بعد از اینکه صندوق دولت مستغنی از تخصیصات شد و آنقدر عایدی در مملکت بود که دولت بایک توسعه بدی میتواند هر چیزی را بهر مصرفی که میخواهد برساند و کسر محل نداشته باشد ممکن است این موضوع بکلی مرتفع شود ولی امروز برای اینکه هم آن نظر محفوظ شده باشد و مرکزیت عایدات بعمل آمده باشد و هم بقای نظمی را تأمین کرده باشیم باعتقاد بنده شاید این پیشنهاد يك صورت صحیح مطلوبی داشته باشد.

مخبر - پس بالاخره این طور گفته شد در اصل مقصود هیچ کس مخالفت ندارد و اختلافی که بود در شکل بود حالیه بر حسب پیشنهادهای اخیر (تخصیص) تغییر شکل و کنترل کرده بشکل اجازه تخصیص در آمده است و در واقع مطابق پیشنهاد آقای میرزا محمد علیخان از طرف معینین بدولت اجازه داده میشود که این محل را از برای مخارج نظمی اختصاص بدهد و در اینجا قضیه فرق میکند و بنده هم ضروری نمی بینم خاتمه به این مذاکرات داده شود بنا بر این تمنایکنم پیشنهاد ایشان را به کمیسیون مراجعه بفرمائید تا کمیسیون هم به نظر دولت مراجعه کند و نظریات دولت را هم در اینخصوص ببینند به مجلس راپورت بدهد.

ناصر الاسلام - بدو لازم است این جمله را عرض کنم که بنده در پیشنهاد خودم بیچوقت در نظر نداشتم که نظمی مستقیماً در وصول دخالت کند اما اینکه گفته شد ما چه طور می توانیم اطمینان پیدا کنیم که دولت اینرا بمصرف خیر نظمی خواهد رساند این مسئله مبحث جداگانه است و بیچوقت نباید در آن داخل شویم و این یکی از وظایف اولیه مجلس شورای ملی است و در بودجه اصلاح خواهد شد البته اگر هزار ماده راجع باختصاص بنویسیم اگر مسئله بودجه نباشد و مجازات در نظر گرفته نشود و بالاخره مجازات در مملکت پیدا نشود هیچ قانون نمیتواند ما را مطمئن کند که این قانون بموقع اجرا گذاشته خواهد شد اما اینکه قید کرده اند که در خزانه وارد شود و بنظمی تخصیص داده شود این قید را بنده هیچ لازم نمیدانم زیرا که مرکزیت مالیه را در هیچ موقع نباید از دست داد اختصاص هم به چه وجه منافعی با مرکزیت نیست اداره مالیه میگیرد منتها قانون او را مکلف میکند که به هیچ مصرفی نرساند مگر بمصرف نظمی و این پیشنهاد آقای سلیمان میرزا از نقطه نظر مجزی بودن نظمی مخالف و معترض به اینکه این قانون باید مجزی شود و عایدات آن بمصرف نظمی برسد باین ترتیب که این مالیات گرفته شود بصندوق مالیه وارد شود لیکن به هیچ مصرفی نرسد مگر بمصرف نظمی حالاً نظمی چه نظمی باشد این بسته است بنظر مجری قانون زیرا نظمی تهران يك مصارفی دارد که قزوین ندارد آنستیکه مجری قانون است مصارف را در نظر میگیرد و الا اگر بخواهیم جزئیاتش را در قانون بنویسیم دچار اشکالات میشویم در آن نظامنامه که برای اجرای این قانون وضع میشود تمام اینها معین خواهد شد بنابر این بنده هم

پیشنهاد خود را پیشنهاد جامعی میدانم و تقاضا میکنم رأی بگیرند.

رئیس - آقای مغیر در اینخصوص چه میگویند **مخبر -** عرض کردم مسئله دو تا است یکی تخصیص است یکی اجازه تخصیص است یعنی از طرف مجلس بدولت اجازه داده میشود که این مالیات را از برای نظمی تخصیص بدهد و بنده با اجازه تخصیص مخالفت ندارم ولی تخصیص عایدات را از طرف مجلس بهمان دلائلی که عرض کردم غلط میدانم و این پیشنهاد آقای میرزا محمد علیخان بهتر است و نظر اجازه را بهتر حاصل میکند لذا تمنا کردم پیشنهاد ایشان را به کمیسیون ارجاع کنند ولی پیشنهاد های دیگر را نمیتوانم قبول کنم.

ناصر الاسلام - (پیشنهاد ایشان را بخوانند) **رئیس -** برگشت بکمیسیون رأی نخواهم گرفت فقط در پیشنهاد آقایان سلیمان میرزا و ناصر الاسلام رأی میکنیم رأی هم قطعی نیست در قابل توجه بودن رأی میکنیم. (پیشنهاد آقای سلیمان میرزا مجدداً قرائت شد) **رئیس -** آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند) **رئیس -** قابل توجه نشد - پیشنهاد آقای ناصر الاسلام قرائت میشود.

(بمضمون سابق قرائت شد) **رئیس -** آقایانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند. چند نفری قیام نمودند

رئیس - قابل توجه نشد - پیشنهاد آقای میرزا محمد علیخان هم میروید بکمیسیون. **وحید الملک -** این پیشنهاد را قبول فرمودند یا خیر

رئیس - تقاضا کردند مراجعه شود بکمیسیون رابورت ثانوی کمیسیون قوانین منالیه است تبصره مندرجه در ماده اول قرائت میشود. (بمضمون ذیل قرائت شد)

تبصره - اسامی قصابات عده که مالیات مستقالات بآنها تعلق میگردد از طرف وزارتین داخله و مالیه معین و اعلان خواهد شد.

مدرس - غرض اینست که موکول کردن تاویل را در قانون بنظر غیر باقانون خیرلی منافات دارد در اینجا تعیین قصابات را به نظر وزارت داخله و مالیه قرار میدهند و بنده گمان میکنم پیشنهادی که یکی از آقایان در آن جلسه فرمودند (حالا کم و زیادش را عرض نمیکنم که هزار خانوار کمتر باشد یا بیشتر باشد) گمان میکنم آطور بهتر است تا موکول کردن بنظر وزارتین داخله و مالیه که من بعد برای مردم اسباب زحمت تولید شود.

مخبر - بنده تصور میکنم به نظر غیریکه عاری از کار باشد و اگر گذار نشده است مخصوصاً واگذار کردن تعیین اسامی قصابات عده که باید مالیات مستقالات بدهند بنظر وزارت داخله که صلاحیت مستقیم این کار را دارد هیچ مسئله مهمی نیست و میتوان گفت بنظر غیر واگذار نشده است وجه اینکه در کمیسیون موافقت حاصل نشد که تعریف قطعی از برای قصابات قائل میشویم این بود که حقیقتاً پیدا کردن یک حد مشترکی

مشکل بود برای اینکه بعضی شاید نظرشان عده خانوار باشد که بگوئیم در هر محل که فلان عده خانوار یا مثلاً هزار خانوار دارد اسم او را قصبه عده بگذاریم و قصبه بقبصبات مراجعه کنیم می بینم این قاصه هیچ عمومیت ندارد بعضی جاها هست که در سر راه واقع اند و مستقالات دارند و یکی از قصابات عده شماره میروند در حالیکه هزار خانوار ندارد پس باید وقتی که خودمان را مقید کردیم بقصد هزار خانوار آنوقت هر چه در حرف یا اصلاح بگویند قصبه عده است ما باید بگوئیم خیر چون در قانون گفته ایم آنهاهی که هزار خانوار دارند قصبه عده هستند لهذا ما نمی توانیم اسم آن را قصبه عده بگذاریم پس مانمی توانیم خودمان را مقید بده خانوار و مالیات و غیره بکنیم هچکدام اینها مدرکی نیست که انسان بتواند برای تخصیص قصبه عده در دست بگیرد عرض کردم یک قصبه خیلی عده هست که هزار خانوار ندارد برعکس یک دهی هست که هزار خانوار بیشتر دارد پس در عمل دچار اشکال خواهیم شد بعلاوه این نکته باید عرض شود که قصابات عده ایران معین است و تعیین آنها چیز مشکلی نیست بنده تصور میکنم هر یک از نمایندگان اسامی قصابات عده حوزه انتخابیه خودشانرا بتوانند از حفظ معین کنند تعیین قصابات عده مهم نیست و قبلاً هم معین شده است چه نقاطی قصبه عده هستند ولی چون کمیسیون قوانین مالیه عجز داشت از اینکه راه دیگری پیدا کند که کاملاً اسباب افتناع شود بنظر وزارت مالیه و داخله و اگذار کرد که در ضمن یک صورتی قصابات عده را معین کنند و انتشار بدهند و غیر از این ماراه عملی پیدا نکردیم حالا اگر آقایان یک راه عملی دیگری پیدا کنند بنده هم با کمال افتخار موافقم و قبول خواهم کرد

مدرس - فرمودند اشکالاتی بیش می آید گمان میکنم همین اشکالاتی که فرمودند برای وزارت داخله و مالیه هم پیش می آید بنا بر این خیلی خوب بود که خود کمیسیون این تحقیقات را بکنند و معین کنند فرمودند آقایان نمایندگان هر کدام در ولایت خودشان بصیرند ممکن است همانها معرفی کنند من میبینم اگر این مطلب در کمیسیون حل شود زحمتش برای مردم کمتر خواهد بود تا واگذار شود بوزارت مالیه و وزارت داخله شاید همین بی بصیرتی را که آقایان فرمودند آنها هم داشته باشند فردا میروند میگویند شهر ورامین قصبه است بجهت اینکه میگویند شهر ورامین را شهر میگویند شما به قصبه هم قبولش ندارید و حال اینکه ده هم نیست میگویند فلانجا تلگرافخانه دارد و هر جا که تلگرافخانه دارد قصبه است و حال اینکه اینطور نیست بهر حال گمان این است اگر کمیسیون این زحمت را بکشد و بهر میزان تخمینی یا تقریبی فرارش را بدهد و توضیحاتی از هر یک از نمایندگان راجع بولایتشان بخواهد و رقم فائده در کمیسیون بشود بهتر خواهد بود تا بنظر وزارت داخله و مالیه موکول شود دیگر اختیار با مجلس است.

هر آن السلطان - گمان میکنم برای وزارت داخله تعیین قصابات بهیچوجه اشکال ندارد قصابات را تعیین کرده اند و حالش معلوم است اینکه آقایان فرمودند

رئیس - گویا مذاکرات در تبصره کافی باشد رأی میکنیم به تبصره آقایانی که موافق هستند قیام بفرمایند (عده کثیری قیام نمودند).

رئیس - تصویب شد راجع بقصره پنجم از ماده ششم پیشنهادی از طرف کمیسیون قرائت می شود. (بمضمون ذیل قرائت شد) خانهای مسکونی مادام که به اجاره نرفته باشند مخالف بودم و مقصود بنده بعمل نیامده نظر بنده این بود پس آنکه مالیات را از روی عایدی قراردادیم اصلاً دارالسکنه موضوعی است که از آن مستثنی و خارج است و بهیچوجه منالوجوه مورد ورود مالیات

بر آن نیست باین معنی این مالیاتی را که از برای مستقالات قرار دادیم خانهای مسکونی خاز چند اگر چه اتفاقاً گاهی از اوقات میشود که شخص دارالسکنه ای دارد و دو ماه ۳ ماه میخورد برود در یک جای دیگر توقف کند و من بابالاتفاق آن دو ماه یا سه ماه را با جاره میدهند در اینصورت بار از عنوان دارالسکنه ای خارج نشده است که ما بگوئیم مالیات بآن تعلق میگردد.

لهذا به مجرد اینکه با جاره رفت مکفی نیست و آنرا داخل در موضوع مالیات نخواهد کرد و بدارالسکنه ای باقی است بلی وقتی که عنوان خانه اجاره پیدا کرد آن وقت فقراً خودش در موضوع مالیات داخل میشود و الا تا از عنوان دارالسکنه ای خارج نشده نمی شود از او مالیات گرفت و این اصلاحی را که کمیسیون کرده همان مطلب مطابق است و به مجرد دو ماه اجاره رفتن حکم قانون را نمی شود در آن ملحوظ داشت گاه می شود شخصی شش ماه و پنجماه هم به سفر می رود سفرش طول میکشد و قصبه به پرسند دارالسکنه ای فلان کس کجا است باز میگویند فلان نقطه است و اگر اتفاقاً در این مدت یک کسی پیدا شد و آنجا را اجاره کرد بچه قاعده باید از آن مالیات گرفت مالیات مستقالات را ما بر عانده قرار دادیم آن عانده هم عانده است که اساس قوانین بر آنست نه مطلق گرفت و بر آن عانده ندرتی که گاهی به کسی مصادف میشود نمی شود مالیات قرار داد آن چیزهایی است که اغلب اوقات عایدی شخصی است و امور معیشت و زندگی از آن میشود و اگر یک کسی ندرتاً یک عایدی بهم برساند خارج از این است و بر این قبیل عایدات نمیتوان مالیات قرار داد

مخبر - بنده تصور میکنم وقتی یک کسی بخواهد یک خانه بسازد و به نیت اجاره یا به نیت مسکونی بنا نمیکند و نمیشود گفت ابتداء باید نیت او معلوم شود و بعد مالیات بر او بسته شود و خانه که به نیت مسکونی بنا شده است اگر هم به اجاره برود آن وقت نباید مالیات بر آن تعلق بگیرد خیر اینطور نیست خانه که ساخته شده است یا اجاره است یا مسکونی اگر مسکونی است که در مالیات معاف است و اگر اجاره است باید مالیات بدهد مبنای مالیات هم از روی عایدات است و پس وقتیکه نظرمان باینست است دیگر چه اختلافی وارد است اگر اختلافی باشد ممکن است در کم و زیادی عایدی باشد میفرمایند خانه مسکونی که صاحبش میخواهد دو ماه برود به شیران در آن دو ماه اگر به اجاره رفت مالیات بگیرند چه فرق دارد این خانه که دو ماه پیش مسکونی بوده است و حالا با جاره نرفته است با آن خانه کاز اول در اجاره بوده آیا این دو ماه عایدی دارد یا ندارد البته از این عایدی که پیدا کرده باید بدولت مالیات بدهد چه فرق است میان شصت تومان یا شصصد تومان بنده ابدأ هیچ فرقی بین اینها نمی بینم اگر مبنای مالیات را عایدی میدانند و تصدیق دارند دیگر نمی دانم چه اشکالی وارد است زمانی که خانه مسکونی است و صاحبش در آنجا نشسته است از مالیات معاف است اهم از اینکه یک روز یا بیشتر پس از این نقطه نظر معلوم است وقتیکه در اینجا خانه های اجاره را مقید بدادن مالیات کردید و مبنای

مالیات را عایدی قراردادید وقتیکه با جاره رفت باید مالیات بدهد و وقتی که صاحبش در آن نشسته معاف است و این بدیهی است که نمیشود فرض کرد و پیش بینی کرد که ابتدا خانه را بنیت مسکونی ساخته اند یا بنیت اجاره بنیت اجاره که نمیشوند یک خانه را میسازند یا سکنی میکنند یا اجاره داده میشود هر طوری که پیش آمد همانطور رفتار میکنند.

حاج شیخ محمد حسن - این ترتیب طریقه قانونگذاری نیست در طریقه احکامات مناط رعناویں قرار میدهند در اینجا هم حکم فقط بر محور عایدی نیست که از هر راه پیدا شود اگر این طور باشد قانون نیست یک هرج و مرجی است یکدفعه میشود که یک عایدی ندرتاً پیدا میشود و اگر نظرشان بطلاق عایدی است و او را اساس قرار میدهند ممکن است بعضی از املاک و اموالی که غالب اوقات معدنند از برای عایدی گاهی از اوقات بندرت اتفاق می افتد که عایدی نیابرد پس باید آنوقت معاف باشد وقتیکه جنبه عاالیبت آنرا ملاحظه میکنند میگویند این عنوان موضوع از برای هیچ چیزی و هیچ حکمی است مثلاً دکانین را چون با جاره میروند البته یک عنوانی است برای جلب عایدی یک همچو خانه های اجاره یعنی مادامیکه عنوان اجاره پیدا بکند نه اینکه با جاره برود همین که این عنوان را پیدا کرد یک موضوعی است مثل دکانین و صورت دکانین را پیدا میکنند نه خانه های که برای سکونت ایجاد شده است و لازم نکرده است که قبلاً واقف به قصدش باشیم هر چیزی علائم مخصوصی دارد و در خارج معلوم است که خارج از این موضوع است احتیاج نیست که ما واقف به قصد آن شخص باشیم که در آن خانه میخورد به بشود یا با جاره میبدهند این چیزی است که در خارج تشخیص داده میشود و احتیاج ببعنی مطالب نیست فرض اینکه میفرمایند وقتی که اجاره رفت باید داخل در مالیات شود این برخلاف تصریح خود اصل اصل ماده است ماده میگوید (خانه های اجاره) (اجاره) یعنی چه (اجاره) عنوانی است اسمی است نه خانه که با جاره برود اگر چنانچه از آن کسیکه این قانون را نوشته است به پرسند غیر از این نمیگوید و اگر هم بگوید برخلاف قانون است پس مقصود مطلق عایدی نیست والا از هزار طریق میشود عایدی پیدا شود پس برای اینکه عایدی پیدا کرد نمیشود مالیات بهمه طریق قرار داد و این خودش هرج و مرج است ربطی بقانون ندارد پس باید مالیات را برای بعضی اموال و اشیاء تعیین کرد که بعید باشند از برای عایدی و همچنانکه صاحبش معیشت و زندگانی خود را از آن عایدی سر انجام میدهد قسمتی از آن را هم سر انجام دادن امور جمعیت بدولت بدهد پس بمجرد اجاره رفتن و مطلق عایدی مقصود نیست باید از روی قرار داد قانون ان مالیات را گرفت نه اینکه بمجرد اینکه یک روز یا یک ماه آن خانه اجاره رفت بگوئیم مالیات بدهد اگر میزان این بود پس چرا در جاهائی که یکماه یا دو ماه اجاره مالیات را عایدی میدانند و تصدیق دارند دیگر نمی دانم چه اشکالی وارد است زمانی که خانه مسکونی است و صاحبش در آنجا نشسته است از مالیات معاف است اهم از اینکه یک روز یا بیشتر پس از این نقطه نظر معلوم است وقتیکه در اینجا خانه های اجاره را مقید بدادن مالیات کردید و مبنای

تصریح خود ماده که میگوید (خانه اجاره) منافات دارد مثلاً من خانه دار السکنه ای خودم را من بابالاتفاق یکماه که میخوام بحضرت عبدالعظیم بروم با جاره میدهم در اینصورت آن خانه را خانه اجاره نمیگویند اگر بگویند آن خانه اجاره ایست غلط است ولو اینکه عایدی فوق العاده هم پیدا کرده باشد **حاج عز الممالک -** بنظر بنده بر خلاف فرمایشات آقا این یک امر ساده است که هیچ توضیحی لازم ندارد و توضیح واضح است مجلس معتقد شده است باینکه اساساً از روی عایدی یک مالیاتی را بگیرد این مسئله مسئله دیگر اینکه در خود قانون تصریح شد است که خانه مسکونی باید مالیات بدهد و خانه اجاره باید بدهد این یک چیز واضع است و اگر آقا دو ساعت دیگر هم نطق بفرمایند بمعلومات بنده چیزی نخواهد افزود میفرمایند خانه شخصی دارالسکنه است و نباید مالیات بدهد ولو اینکه با جاره برود چهارم میشود تشخیص داد که این خانه شخصی است و با جاره رفته است و برای اجاره ساخته شده است البته هر زمانی که با جاره رفت باید مالیات بدهد پس اگر این طور باشد که آقا میفرمایند دانهم چون برای اجاره ساخته شده است اگر با جاره نرفت مالیات بدهد در حالتیکه اینطور نیست و هر وقت خانه مسکونی با جاره برود البته عایدی پیدا کرده است و پس از پیدا کردن عایدی باید بدولت مالیات بدهد اهم از اینکه یک ماه باشد یا دو ماه زیرا آن مالیات را دولت از روی عایدی که برای مالکش پیدا کرده است میگیرد و البته خانه مسکونی که در اجاره نیست مالیات ندارد این یک چیزی است که خیلی واضح است و عقیده بنده این است که مجلس هم رأی خواهد داد **رئیس -** در چند جلسه قبل گویا در اینباب مذاکرات زیاد شد حالا هم گویا مذاکرات کافی باشد رأی میکنیم بقصره پنجم از ماده ششم بطریقی که کمیسیون پیشنهاد کرده است آقایانی که تصویب می کنند قیام نمایند.

(عده کثیری قیام نمودند) **رئیس -** تصویب شد - رأی میکنیم بماده ششم با این ضمیمه که شده است آقایان در خاطر دارند که فقره دوم حذف شده است پس رأی میکنیم بماده ششم که جملاً فقره است

وحید الملک - تقاضا میکنم مجدداً قرائت شود. (مجدداً قرائت شد) **رئیس -** تصویب شد - رأی میکنیم بماده ششم با این ضمیمه که شده است آقایان در خاطر دارند که فقره دوم حذف شده است پس رأی میکنیم بماده ششم که جملاً فقره است **وحید الملک -** تقاضا میکنم مجدداً قرائت شود. (مجدداً قرائت شد) **رئیس -** تصویب شد یکماده بعد از ماده ۱۴ بوده است که در رابورت دوم کمیسیون اشتباه از قلم افتاده است آن ماده قرائت میشود و رأی میکنیم. (بمضمون ذیل قرائت شد) ماده - پس از آنکه میزان مالیات مستقالات مطابق میزای معین گردید تا میزای ثانوی همان مالیات بر قرار خواهد بود ولی در موافقی سکه سه عشر بر عایدی مستقل افزوده شده و یا کسر شود باید میزای

جدید بعمل آید ، در هر دو مورد باید از طرف مالک با اداره مالیه اخطار شده باشد ولی در فقره اولی خود اداره مالیه رأساً میتواند تجدید ممیزی نماید

مدرس - این ماده معنیش این است که ممیزی که کردند دولت همه ساله مطالبه آن مالیات را میکنند چه با جاره داده شود چه با جاره داده نشود و چه کم شود و چه زیاد شود میخواهم آقای مخبر در این خصوص توضیح بفرمائید که اگر ممیزی کردند و بعد آن دکان به اجاره نرفت یا کسر شد زیاد شد باید اطلاع بدهند با همان ممیزی را که کرده اند همه ساله بگیرند و تا پانزده سال همانطور معمول خواهد بود

مخبر - اساساً باید این نقطه نظر را هم داشت که وقتی که یک ممیزی میشود اعم از اینکه این ممیزی راجع باملاک مستقل باشد یا املاک مزروعی فرق نمیکند باید قائل شد باینکه زحمتی کشیده و ممیزی نموده و باید یک نتیجه ثابتی داشته باشد و تا یک عملی مثل آن نشده است ثابت باشد یعنی یک ممیزی ثانوی آنرا لغو کند پس این اساسی است و البته در این فاصله کلی یک مستثنیاتی هم هست مثلاً ممکن است یک ملک مستقلی را ممیزی نکنند و بعد آن ملک با جاره نرود همه اینها در قانون پیش بینی شده است و گفته شده است ملکی که مسلوب العایدی است برای آن مدتی که آن ملک مسلوب العایدی است از دادن مالیات معاف است

اما شق دیگر که فرمودند که ممکن است عایدات آن مستقل کم شده باشد آخر همین ماده که موضوع مذاکره است برای همین که این مسئله پیش بینی شده باشد افزوده شده است چون اگر ما کم شدن یا زیاد شدن عایدی را یک صدی یک یا صدی دو میگرفتم آنوقت یک اساس ثابتی نداشت و تفاوت صدی چهارش یک تفاوت مهمی بشود باین جهت قائل شدیم که اگر سه عشر برهائیی زیاد شود و با اینکه سه عشر از آن کم بشود در این صورت بدیهی است که لازم است تجدید ممیزی است و مسلم است نسخ ممیزی اول میشود و برای اینکه بدانیم این کم و زیاد از کجا شده است در هر دو مورد مالک را مکلف کرده ایم با داره مالیه اطلاع بدهد منتها وقتی که عایدی آن مستقل زیاد شود احتمال قوی می رود مالکین کمتر اطلاع بدهند لهذا آنرا بنظر خود اداره واگذار کردیم که اگر خودش برای اطلاع پیدا کرد سه عشر بر آن عایدی که بتیانش ممیزی اولی بوده است اضافه شده است و می شود یک صدی چند بر آن اضافه کنند که ضرر بدولت وارد نشود در اینصورت مکلف باشد باینکه تجدید ممیزی بکند موافق هم که ممکن است که سه عشر کم شود در اینصورت پیش بینی این ضرر را باید خود مالک بکند یعنی با اداره مالیه اطلاع بدهد و وقتی که اطلاع داد سه عشر از عایدیش کم شده است اداره مالیه موافق این ماده مکلف خواهد بود فوری تجدید ممیزی کند آنوقت مالیات را مطابق آن ممیزی بگیرد و اگر یک مالکی بود که خودش با طیب خاطر حاضر بود با وجود اینکه سه عشر از عایداتش کم شده است (باز همان مالیات سابق را بدهد میدهند در اینصورت بنده که از طرف او نمی توانم سنک او را بستیم بزم که حتماً باید بدهد

حاج شیخ حبیب الله - عرض میکنم مناط در

ادای مالیات عایدی است مالیات را فقط عایدی بسته اند و قیسه یک ملکی با جاره نرود البته عایدی ندارد و نباید مالیات بر آن بست و باید در این ماده این قسم معین شود در صورتی که محتاج به ممیزی شد و ممیزی کردند و عایدی آن زیاد تر شد از آن عایدی زیادی مالیات گرفت یک شق دیگر هم ممکن است که از روی آن اجاره خط که مالک بستاند داده است کم یا زیاد آن معین خواهد شد اگر خود مالک آن اجاره خط را با اداره مالیه برد دیگر محتاج به تجدید ممیزی و مخارج زیادتری نیست زیرا ممکن است یک مخارجی برای موخر و مستاجر و دولت هم فراهم شود

مخبر - بنده تعجب می کنم که چرا آنقدر فرق گذاشته می شود ما بین املاک مستقلات و املاک مزروعی هر چه فکر میکنم هیچ تفاوتی بین این دو مالیات نمی بینم گاهی میگویید مالیات ملکیتی گاهی میگویند مالیات مجلی گاهی ما بین ممیزی این ملک و ملک دیگر فرق میکنند و جناب عالی خودتان میدانید در تشریح وقتی که فلان ده مزروعی را ممیزی بکنند همیشه این ممیزی ثابت میماند و از روی همان ممیزی مالیات میگیرند و این ترتیب در تمام ایران معمول است و برای این است که نتیجه ممیزی که شده است در دست داشته باشند و این ترتیب اساس مالیات دادن شما است تا اینکه ممیزی ثانوی بشود هیچ فرقی نمیکند بین این قضیه در همین جا هم هست وقتی که یک ملک مستقلی را ممیزی میکنند این اساس مالیات دادن آن ملک میشود تا ممیزی ثانوی را بکنند (آن درجه موقع است) در موقعی است که سه عشر اضافه میشود برای ملاحظه منفعت دولت و با اینکه سه عشر کم میشود برای حفظ رعایت مالک در این دو مورد باید تجدید ممیزی شود در اینصورت بنده میدانم اشکال در چیست

رئیس - مذاکرات گویا کافی باشد - رأی میگیریم باین ماده که ماده (۱۰) خواهد بود آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام نمایند

رئیس - تصویب شد - بقیه این قانون میماند برای جلسه دیگر

عدل الملک - در کابینه آقای مشیرالدوله قانون مجازات بمجلس تقدیم شد و این قانون به کمیسیون عدلیه آمد در صورتیکه کمیسیون عدلیه مشغول بیک کار مختصری بود که آن قانون تجارت بود آنهم در یک فاصله مختصر کمی گذشت و رفت و مدت ها است که کمیسیون عدلیه دائر نمیشود و قانون مجازات که از اهم قوانین مملکتی است و شاید اهالی مملکت از مجلس حاضر گذراندن بودجه و قانون مجازات باشد (بودجه را حالا میگوئیم که دولت وسائش را فراهم نکرده است مجلس هم مستقیماً نمیتواند در این باب تهیه وسائل کند) اما قانون مجازات را که مدتی است دولت آورده است و تقدیم بمجلس کرده است و کمیسیون هم رفته است خوبست تا آید بفرمائید که زودتر بگذرانند و وقتاً بموقع اجرا بگذارند تا وقتی که مجلس مفصلاً در قانون مجازات نظر کند زیرا از آن موقعی که قانون مجازات به کمیسیون آمده است یعنی از ابتدای (بحران) کمیسیون عدلیه بواسطه حاضر نشدن اعضاء کمیسیون منعقد نشده است و یک همچو قانون مهمی همین طور موقوف مانده است و در تحت مذاکره نیامده است بنده یاد آوری میکنم ناقص پیشنهاد نماید

که این ترتیب صحیحی نیست و با هیئت قانون مجازات این طور سهل انگاری کردن را بنده یک تقصیر بزرگی میدانم

رئیس - بنده گمان میکنم اگر یک قدری تأخیر افتاده است برای این بوده است که در این مدت بحران حواس آقایان جای دیگر بوده است یکی هم بواسطه شدت گرمای بوده است حالا که یک قدری گرمی هوا تخفیف پیدا کرده است بنده خودم مواظب خواهم بود که کمیسیون اقبلا هفته دو دلمه منعقد شود و زودتر این کار را انجام دهند

مدرس - این مسئله که آقای عدل الملک فرمودند جایش این بود که بنده عرض کنم بجهت اینکه مذاکرات در قانون مجازات ترتیب دادیم بعضی در داخل بعضی در خارج و آنچه کلمه نوشتیم و تلفون با آقای عدل الملک کردیم که در یکی دو جلسه حاضر شوند ابداً در یک جلسه هم حاضر نشوند و ما قریب بآنصدد ماده از قانون مجازات را طی کردیم که ایشان اطلاع ندارند هر وقت هم در ماه رمضان آمدیم در کمیسیون ایشان تشریف نداشتند و حالا میگویند ما غفلت کرده ایم ما غفلت نکرده ایم

عدل الملک - اولاً آقای مدرس فراموش نکنند که جای اینکار مجلس است نه خارج از مجلس و اعضاء کمیسیون مکلف هستند در خود مجلس مشغول کار باشند نه خارج از مجلس به علاوه مخصوصاً راجع بقانون مجازات بنده مکرر تأکید کرده ام و اینکه میفرمایند اطلاع دادیم که جلسات خصوصی بوده است در جلسه عمومی کمیسیون نبوده است یکی دو دلمه ببنده اطلاع دادند همان شب که بایستی باین مطلب مراجعه بشود و متأسفانه بنده موفق نشدم و یکی هم در خارج مجلس بوده است که رسمی نبوده است و اگر برابورت کمیسیون مراجعه بفرمائید معلوم خواهد شد

رئیس - همانطوریکه عرض کردم مواظب خواهم بود که کمیسیون منعقد شود و مشغول کار شوند

مخبر - بنده اجازه خواستم که از طرف کمیسیون قوانین مالیه عرض کنم در بعضی جرایمه دیده شده که نوشته اند لایحه قانونی کنیرو دخانیات و بعضی لویای دیگر در کمیسیون قوانین مالیه موجود است و مدتی پیش نهاد شده است و هنوز بمجلس نیامده لازم دانستم این مطلب را از طرف کمیسیون تکذیب کنم که بکمیسیون قوانین مالیه جز یک قانون دخانیات هیچ لایحه قانونی دیگر نیامده است و از طرف دولت لایحه پیشنهاد نشده است

رئیس - قانون دخانیات مدتی است در کمیسیون مانده است در جلسه آتیه هم جز مذاکره در ماده بیستم و کلیات قانون مستقلات کار دیگری نداریم امیدوارم انشاء الله کمیسیون قوانین مالیه برای هفته دیگر قانون دخانیات را حاضر بکنند و زودتر بگذرد

مخبر - جهت تأخیر قانون دخانیات این بوده است که آن لایحه که پیشنهاد شده بود ناقص بود و بعضی اطلاعات از خزانه داری خواسته شده است و آن اطلاعات را هنوز کاملاً بکمیسیون نداده است و چون کمیسیون اطلاعات خودش را کامل نمیدانند باین جهت تمویق افتاده است و میخواهد پس از اخذ اطلاع یک قانون کاملی بمجلس راپورت بدهد باین جهت پیشنهاد نکردن آن قانون را ترجیح داد باینکه قانون ناقص پیشنهاد نماید

سلیه مان میرزا - مکرر دو خصوص بودجه گفتگو شده است و آقایان مطلعند که مدتی است کمیسیون بودجه منعقد نشده است و علتش نرسیدن بودجه ها بمجلس بوده است و از قراریکه اطلاع حاصل شده است کمیسیون بودجه دولتی سه فقره از بودجه ها را که یکی بودجه وزارت پست و تلگراف و یکی بودجه وزارت خارجه و یکی هم بودجه وزارت داخله باشد حاضر کرده اگر آقایان موافق باشند خوب است از طرف مجلس بوزیر مالیه نوشته شود زودتر بقیه بودجه ها را بمجلس بفرستند که هم کمیسیون بودجه کار داشته باشد و هم امور مالیه اصلاح شود

رئیس - تأکید خواهد شد

حاج سید رضا فیروز آبادی - چندی قبل قانون نظام آمد بمجلس و چون قانون سرباز گیری با ترتیب رتبه نظامی مخلوط بود آقایان تصویب نکردند و بوزارت جنگ برگشت و قرار شد مجزاشود و بمجلس بیاید و در مجلس رأی گرفته شود و تا بحال هیچ اثری از آن نیست و با وجود اهمیت آن میدانم سبب چیست که تا بحال نرسیده است استدعا میکنم از وزارت جنگ خواسته شود که آنرا مجزا کنند و بمجلس بفرستند

رئیس - این مسئله هم یادداشت میشود و تأکید میشود که زودتر بفرستند

ناصر الاسلام - البته همه آقایان تصدیق خواهند کرد که بمدام مدتی یک هیئت دولتی معرفی شد و غرض از هیئت دولت هم یقیناً هرچوقت اشخاص مقبول نبوده است که بیاینده بمجلس با سامی مخصوص و معرفی شوند بلکه مقصود از معرفی کابینه طریق مشی دولت است که بمجلس شورای ملی معرفی میشود و بدیغتهائی که در این مدت برای این مملکت ایجاد شده است برای این بوده است که آن مشی را که دولت تصمصیم میکرد تعقیب کند نکرده است شاید از یک نقطه نظر بعضی بگویند بواسطه بعضی موانع نتوانسته است موفق بشود بهر حال اغلب اشکالات از این نقطه نظر است بنده عرض میکنم مادامیکه پروگرام هیئت دولت بمجلس نیامد نمیتوان گفت هیئت دولت از روی چه رویه کار خواهد کرد و پروگرام آن کابینه چیست و متأسفانه آنروز آقای رئیس الوزراء اسمی از پروگرام نبردند چون تکیه گاه هر دولتی اظهار اعتماد و اطمینان مجلس است و هیچ هیئت دولتی آن تکیه گاه را نمیتواند پیدا کند مگر اینکه پروگرام خود را به مجلس بیاورد و مردم منتظرند ببینند چه وقت پروگرام وزراء بمجلس خواهد آمد بنده شخصاً اگر اهمیت نمیدهم منتهی باینکه نمایندگان ملت چیزی را که از همه بیشتر اهمیت میدهند مسئله پروگرام است و از آقای رئیس الوزراء تقاضا میکنم تا تأکید بفرمائید که زود تر پروگرامشان را به مجلس بیاورند که هیئت دولت با یک قلب قوی اظهار اطمینانی که از طرف مجلس نسبت بآنها شده است بتوانند وارد در سیاست خارجی و داخلی مملکت بشود

رئیس - همانطوریکه فرمودند این مسئله خیلی اهمیت دارد بنده هم تصدیق میکنم که خیلی اهمیت دارد ولی چون آقایان وزراء تازه داخل کار شده اند

و امور متراکم هم خیلی بوده است گویا این هفته کار خودشان را منصرف برآه انداختن این قبیل کار ها کرده اند این است که نتوانسته اند پروگرام خودشان را به مجلس بیاورند اگر آقایان موافق باشند از طرف هیئت رئیسه تأکید بشود که زودتر پروگرام خودشان را حاضر کرده به مجلس بیاورند

سردار معظم - بنده عرض دارم

رئیس - اگر راجع باین مطلب است گویا مذاکره شده پیش از این لازم نباشد

سردار معظم - بنده عقیده ندارم از طرف هیئت رئیسه اخطار بشود تکلیف خود وزراء است که پروگرامشان را به مجلس بیاورند باید بخودشان وا گذاشت البته آنها تکلیف خودشان را میدانند و **رئیس** - وزرائی که روی کار می آیند باید طرف اعتماد مجلس باشند این مطلب سابقه دارد و هیئت وزراء رفتی که معرفی شدند رأی اعتماد گرفته شده است برای این بوده است که وقتی پروگرام خود را بیاورند رأی گرفته شود معلوم است برای اینکه این مطلب معلوم شود به مجلس خواهد آمد و البته همین چند روزه پروگرام خود را خواهند آورد و گمان میکنم ضرر ندارد در اینخصوص یک چیزی نوشته شود یا یک مذاکره در آن باب بشود (گفتمند صبح است) جلسه آینده روز یکشنبه ۳ ساعت قبل از ظهر دستور آنهم بقیه قانون مستقلات خواهد بود

(مجلس ۲۰ دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

جلسه ۲۴
صورت مشروح مجلس روز ۴ شنبه
۲۰ شهر شوال ۱۳۲۷

مجلس دوساعت قبل از ظهر در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل و صورت مجلس روز ۴ شنبه سیزدهم قرائت شد

غائبین بدون اجازه - آقایان سردار ممتد شیخ الملک - حاج شیخ فضلعلی آقا غائبین با اجازه - آقایان حاج شیخ مهدی الدوله اعزاز السلطنه نجفعلی میرزا - سردار ممتد - امروز در صورت مجلس آقای نظام السلطان را غائب بدون اجازه نوشته در صورتیکه هر برضه ایشان رسیده و درخواست اجازه کرده بودند

رئیس - رسیدگی میشود اگر اجازه داده

آقا میرزا هاشم - بنده در خصوص حاج شیخ فضلعلی آقا میخواستم عرض کنم که اجازه گرفته اند و مرخصی ایشان در مجلس تصویب شد

رئیس - مدت مرخصی ایشان منقضی شده است دیگر ملاحظاتی نیست صورت مجلس تصویب شد بنا بود روز یکشنبه جلسه داشته باشیم ولی بملاحظه اینکه از طرف دولت خواست شده بود که قانون مستقلات را دو جلسه عقب بیندازیم برای اینکه نظر باینکه دارند بشمایند و چون قوانین دیگر هم حاضر نبود روز یکشنبه مجلس منعقد نشد ولی بعضی قوانین دیگر که حاضر شده بود جزء دستور امروز قرار دادیم اگر آقایان تصویب میکنند از همان قرار رفتار کنیم اول طرح قانونی آقای حاج عبدالملک راجع بسوخته تریاک دوم قانون تفریح بودجه سه ماهه اخیر سه

بارشربل بمجلس - سیم قانون بودجه هدالسنه توشقان تبیل مجلس - چهارم چند نفر از آقایان که قسم یاد نکرده اند قسم یاد خواهند کرد در اینباب مخالفی نیست (اظهاری نشد)

طرح قانونی آقای حاج عبدالملک که بکمیسیون مبتکرات رفته حالا باید برای بگیریم

حاج سید رضا فیروز آبادی - بنده خواستم عرض کنم که

رئیس - راجع بچه مطلب

حاج سید رضا - راجع بسوخته خواستم عرض کنم که در جلسه بعد مذاکره شود

رئیس - پیشنهاد میکنید

حاج سید رضا - بلی پیشنهاد میکنم

رئیس - این رأی که میگیریم قطعی نیست در قابل توجه بودن است

بعد از قابل توجه شدن بکمیسیون قوانین مالیه رجوع می شود که شور هم در این باب خواهد شد با وجود این پیشنهاد میکنند برای جلسه دیگر بماند ؟

حاج سید رضا - در اینصورت خبر

رئیس - دیگر مخالفی نیست ؟ قرائت میشود و رأی میگیریم

(طرح مزبور بمضمون ذیل قرائت شد)

تبصره - ماده دوم قانون تجدید تریاک از تاریخ اول برج اسد توشقان تبیل سنه ۱۳۲۳ مبلغی که بعنوان حق الزحمه بتسلیم کنندگان توجه تریاک داده میشود در هر مقال یکشاهمی خواهد بود

رئیس - چون این قانون دوسه ماه است پیشنهاد شده است این است که تاریخش را از اول برج اسد گذاشته اند بعد که بکمیسیون رفت اصلاح خواهد شد ولی مجاله که رأی میگیریم در باب اساس و قابل توجه بودن است

رایبورت کمیسیون مبتکرات را آقایان دارند رأی میگیریم بقابل توجه بودن این طرح آقا باینکه قابل توجه میدانند قیام نمایند

عده کبری قیام نمودند

رئیس - قابل توجه شد قانون تفریح بودجه ۳ ماهه بارشربل بمجلس قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

مخارج سه ماهه مجلس شورای ملی از تاریخ اول جدی الی آخر حوت بارشربل ۱۳۲۳ موافق ماده الی ۵ ضمیمه ۱ برطبق بودجه مصوبه مورخه یکشنبه هفتم ربیع الاول مطابق چهارم دلو بارشربل مبلغ بیست و یک هزار و هشتصد و پانزده تومان و دو قران و پنج شاهی و عایدات مذکور به مبلغ صد و بیست تومان و تفریح میشود

رئیس در این ماده که قرائت شد مخالفی هست یا نیست

آقا میرزا هاشم - این لایحه اینجا حاضر نیست خیلی از آقایان حاضر نکرده اند

رئیس - پس میگذاریم برای بعد این لایحه سابقاً تقسیم شده ولی چون آقایان نمی دانستند امروز جزء دستور خواهد بود بیاورده اند ولی قانون بودجه امسال توزیع شده است و آقایان دارند در کلیاتش

۷